

لیبرالیسم، ارتجاع و خط امام

شرط موفقیت دولت

بشار مصدق

۱ - تضادهای داخلی درجه‌بندی خلق و وحدت ملی که سرچشمه قدرت انقلاب و عامل پیروزی آن بوده، هم‌اکنون بسندت در خطر تلاشی است. عوامل تفرقه‌افکن داخلی فیرست‌وار عبارتند از: الف) نیروهایی که بجای مبارزه با امپریالیسم و نیروهای وابسته بدان، دشمنان و اهداف دیگری برای خود

واحد اخذ نشده و بهمین جهت تاخیری چشمگیر و اساسی در تخفیف مشکلات فوق نداشته، بلکه غالباً باعث تشدید آنها شده‌اند. بدون یک بینش خاص مکتبی که بتوسط طرحها و راه‌حلهای مشخص سیاسی - اقتصادی و فرهنگی از آن بیرون کشید، غلبه بر بحران انقلاب غیرممکن است. نتیجه نهایی کشمکشها و تضادهای فعلی در داخل کشور و بخصوص درون قدرت حاکم، نشان خواهد داد که کدام بینش حاکم شده و با مسایل انقلاب بجه نحو برخورد خواهد شد.

سرنوشت دولت فعلی در اینستکه تسلیم کدام خط مشی و بینش سیاسی - اجتماعی شود و زمینه و شرط موفقیت یا شکست بر همین اساس تعیین می‌گردد. از خلال درگیریهای موجود و صرفنظر از وجه شخصی و خصلی تضادها که امام به حق آنرا سرچشمه اصلی انحرافات و فراموش کردن انقلاب و ملت دانستند، به سه نوع بینش یا خط سیاسی - اجتماعی قابل تفکیک است که سرنوشت انقلاب بسته به اینکه کدامیک بر عمل و مشی زمامداران - دولت و مجلس غلبه کند، فرق خواهد کرد.

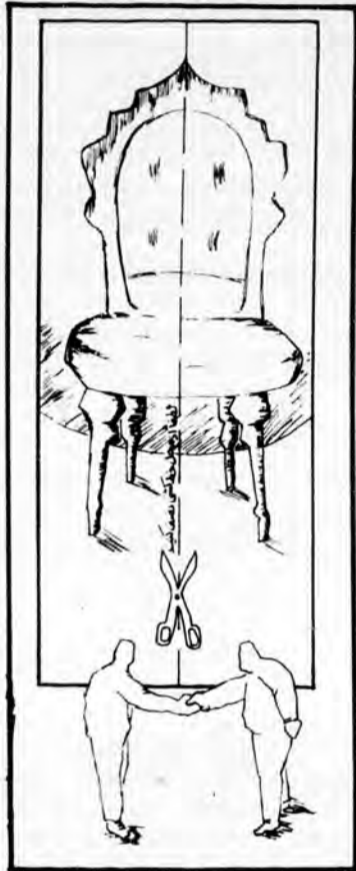
اول - خط یا بینش قشری که مشخصه آن تنگ‌نظری و جزم‌اندیشی است و بدلیل حاکمیت تفکر ارسطویی از نیروی تحرک و خلاقیت و اجتهاد محروم است. به روابط و اندیشه‌های کهنه پای بند بوده، نسبت به هر تغییر بنیادی و انقلابی حساس و از آن هراس دارد و در برابرش جبهه‌گیری میکند. این جریان در دو بعد در برابر پیشرفت انقلاب مانع ایجاد می‌کند، اول بعد فکری که تظاهران در دفاع از پادشاهی کهنه و اسکولاستیک و طبقاتی از اسلام و مخالفت با هر نوع برداشت و اجتهاد زنده و اصل که متضمن نفی عقاید کهنه است.

دوم بعد اجتماعی که تظاهر آن در دفاع از روابط اجتماعی و اقتصادی کهنه و طبقاتی مثل مالکیتهای ارضی و سرمایه‌داری و نامحدود شمردن ثروت‌اندوزی و تمایل به حفظ رابطه حوزه و بازار و... این خط فکری برای حل مسایل فوق راه حل و روشی ندارد فاقد برنامه می‌باشد، برخوردش با مسایل سطحی است، تحمل وجود عقاید و نیروهای مخالف را ندارد و طبیعتاً چون در برابر مخالفان خود احساس عجز می‌کند و از حل مسایل جامعه درمانده می‌شود، برای کنترل اوضاع روش خشونت و سرکوب پیش می‌گیرد. اما پیش گرفتن همین روش بر مشکلات وی می‌افزاید و در صورت بدست گرفتن قدرت زودتر از آنچه انتظارش را دارد، آنرا به نفع جریان دوم از دست میدهد. دلیل شکست این جریان در حفظ قدرت و اداره کشور علاوه بر عوامل فوق اینستکه نمی‌خواهد دست به ترکیب نظام موجود بزند. البته همه ظواهر را عوض میکند و رویه‌کاری اسلامی مینماید، یعنی شکل را تغییر میدهد ولی محتوا ثابت میماند، تضاد شکل و محتوا یکی از عوامل شکست این خط است. از یکطرف با فرهنگ بیگانه ضدیت دارد، از سوی دیگر از سرمایه‌داری در محدوده فرهنگ قشری و ضد بیگانه وی قدرت فعالیت و رشد و حل مسایل را ندارد.

جهانی شدن سرمایه‌داری و وابستگی متقابل همه نظامات سرمایه‌داری بیکدیگر با طرز تفکر این جریان تناقضی دارد. این خط فاقد قدرت سازماندهی و توان برنامه ریزی و ایجاد رابطه آزاد با نیروهای دیگر می‌باشد. گرایش وی به خشونت و تفتیش عقاید قطعی است و اگر چنین سیاستی حاکم شود، بانوجه به شرایط اجتماعی - سیاسی ایران، و ضرورت حل منطقی مساله قومیت‌ها و مذاهب مختلف و تنوع افکار و اندیشه‌ها، نتیجه مصیبت‌بار خواهد بود. یعنی تضادهای درونی بصورت خشن و سترزه‌جویانه تشدید می‌گردد و حاکمیت انقلاب بکلی متزلزل میگردد.

هم‌اکنون فعالیت شدیدی آشکار و پنهان از جانب طرفداران این خط برای قبضه کردن قدرت و نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری و اجرائی دیده می‌شود. نمایندگان این خط در بین مقامات مذهبی از سالها پیش با حرکت انقلابی مذهبی و رهبری آن امام خمینی در تعارض بودند و هم‌اکنون هم اجتهادهای انقلابی ایشان را در زمینه‌های مختلف نفی می‌کنند و علناً از قوانین

اصلاح ارضی، تعدیل و محدود کردن ثروت ملی کردن اراضی و محاکمه سرمایه‌داران و مصادره اموال غاصبین و دزدان بیت‌المال و ملی کردن تجارت و صنعت مخالفت کرده مرتب علیه بعضی قوانین مترقی فنوا صادر می‌کنند و روابط خود را با یکدیگر توسعه داده، در حال تشکیل جبهه‌های در برابر خط امام می‌باشند و در صدد رهبری خود



را مجدداً بر حوزه و بر قلمرو مذهب و حتی سیاست اعمال و تثبیت کرده، جبران شکستها و عقب‌نشینی‌های گذشته را بنمایند. نمایندگان این خط در بین گروهها و باندها بطور منظم در دستگاههای اجرائی و حتی کلیدی نفوذ می‌کنند و طرز فکر و بینش خود را با استفاده از فضای مساعد فعلی تدریجاً حاکم کرده، سیاست حذف و طرد نیروهای فکری مخالف و تفتیش عقاید و انحصارطلبی و تنگ‌نظری را تبلیغ و رواج می‌دهند.

عملکرد این جریان و خط فکری است که حاصل تلاش روحانیون مبارز و مترقی و نیروهای انقلابی اسلامی و اجتهادهای انقلابی امام را بر باد داده می‌کشند مجدداً تصویر زشت و غیرقابل تحمیلی از اسلام و روحانیت و مذهب مردم نشان دهد. نیروی گریز از مذهب بیشتر در نتیجه اعمال این افراد و باندها تقویت میگردد. افراد این گروه در لباس دلسوزی و مذهب و اطاعت مطلق از امام و پای بندی به سنت، در همه جا نفوذ می‌کنند و مخالفان فکری خود را از همه دستگاهها و نهادها تصفیه می‌نمایند. چه بسیار جوانان مسلمانی که فقط به دلیل اختلاف فکری با این افراد از انجام هر نوع خدمت اجتماعی محروم شده و می‌شوند. پایگاه اجتماعی این خط بیشتر قشر سرمایه‌داری تجاری و بخشی از خرده بورژوازی سنتی و قشرهایی از مردم می‌باشند که در چارچوب بینش جزئی تربیت شده و اسلام را در پوسته و شکل آن شناخته، از محتوی بی‌اطلاعات، از لحاظ تاریخی این قشرها در خط خارج نیروان قرار می‌گیرند.

دوم - خط لیبرالی که بدلیل سابقه کار و عملکرد اجتماعی دارای برنامه مشخص برای حل مسائل فوق است. مشخصه این خط طرفداری از دموکراسی و آزادی عقیده و بیعت آزاد است ولی قدرت تصمیم‌گیری و اجرائی را برای خود میخواهد. لیبرالها همان اندازه که قشری و جزم‌گرا نیستند، مکتبی هم نمی‌باشند، با نظام سرمایه‌داری مخالفتی ندارند که اصولاً این طرز فکر زیربنای سرمایه‌داری است. خواهان روابط عادی اقتصادی و سیاسی با جهان سرمایه

داری می‌باشند. نکته‌گاه آنان در داخل ارتش (استعمارزده)، نظام اداری - (دیوان‌سالاری و حکومت متخصصین) می‌باشد. نفق را یک کالای اقتصادی می‌دانند، مخالف استفاده از آن به عنوان سلاح و ابزار سیاسی می‌باشند. مخالف اشغال سفارت و گروگان‌گیری جاسوسان بوده، هم‌اکنون طرفدار آزادی جاسوسان و عادی کردن روابط با امپریالیستها می‌باشند. با حکومت شوراهای مخالفند اگر چه نازگی یکی از نمایندگان برجسته آنان فقط به مصلحت و برای جلب نظر مردم و بدست آوردن پایگاه مردمی از شورا دفاع می‌کنند، با نهادهای انقلابی چون سپاه و جهاد و بسیج مخالفند و خواهان ادغام آنها در نظام اداری و ارتش فعلی می‌باشند خواهان تقویت و احیای صنایع مونتاز و آزادی تجارت و مشوق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی داخلی و سرمایه‌های خارجی می‌باشند، با صدور انقلاب و حمایت عملی از جنبشهای آزادیبخش و رابطه با ملتها بجای دولت‌ها موافق نیستند. جناحی از لیبرالها بسیار پیچیده عمل میکنند و ضمن نشان دادن گرایشهای ضد امپریالیستی بر روی مواضع لیبرالی خود پافشاری می‌کنند. پایگاه اجتماعی لیبرالیسم - سرمایه‌داران وابسته، سرمایه‌داران متوسط و بورژوازی اداری، نظامیان و قشرهای مرفه می‌باشند.

در حال حاضر بعضی قشرهای روشنفکری، بعضی افشار از سرمایه‌داری تجاری و حتی قشرهایی از خرده بورژوازی و بعضی گروهها و عناصر مذهبی، از روی مخالفت با دو خط ارتجاع و خط امام به طرفداران لیبرالیسم پیوسته‌اند. در حال حاضر مهمترین مانع در راه حاکمیت کامل لیبرالها امام و خط امام است، درست است که مرتجعین هم بطور طبیعی مانع حساب می‌آیند، اما گهگاه بطور تاکتیکی، دسته اخیر در ضدیت عناصر متعدد لیبرالی در میان روحانیون هم بافت می‌شوند. رشد چشمگیر پایگاه اجتماعی لیبرالیسم به دلایل زیر است:

الف - حرکت مخالفان خاموش انقلاب از قشرها و طبقات با داشته اضافه همه عناصر ضد و قشرهای ضد انقلاب.

ب - عکس‌العمل مردم در برابر عملکردهای مرتجعین، خمینی‌ناها، روحانی‌ناها.

ج - مشاهده عجز گروههای اخیر در اداره کشور و حل مسایل اقتصادی و سیاسی و اطمینان به اینکه لیبرالها قادر به حل

این مسایلند. اخیراً بسیاری از تجار بازار هم از صف مرتجعین جدا و به طرفداران لیبرالها پیوسته‌اند.

د - روشها و تاکتیکهای خشن، ناشیانه و غیرمنطقی جناح مخالف (مرتجع و خمینی‌نا) و در مقابل ظرافت و پیچیدگی و هوشیاری لیبرالها، در تبلیغات و اتخاذ تاکتیکهای مناسب. هراندازه مخالفان فاقد انعطاف‌پذیری و تساهل و کجاست در سیاست‌اند، لیبرالها در سیاست از مهارت خاص و انعطاف‌پذیری و... بهره‌مندند. دسته اول در سیاست همانند خارچ، ساده سطحی و قشری‌اند، لیبرالها بعکس چون عمروعاص با فراست و زیرک پیچیده و با شورش‌اند، لیبرالها بعکس مرتجعین اگر قدرت را قبضه کنند، بخوبی از آن نگاهداری می‌کنند و حاکمیت خود را با گذشت زمان تثبیت و تقویت می‌کنند

زیرا: اولاً - برای مسایل انقلاب برنامه و راه حل دارند، اگرچه این راه‌حلها بر هدف استقلال و سایر اهداف انقلاب ضدیت دارد، ثانیاً - کادر و افراد ورزیده و با تجربه دارند، هم‌اکنون هم طبقات لیبرالی ملی و مذهبی بر گرد رئیس جمهور حلقه زده و جبهه نیرومندی تشکیل داده‌اند. ثالثاً - پشتوانه خارجی دارند. لیبرالها از جانب امپریالیستها و سرمایه - داری جهانی حمایت مادی و بعداً مادی خواهند شد. با روی کار آمدن آنان مواد خام و کالاهای سرمایه‌های غربی به کشور سرازیر میشود. کارشناسان و شرکتها برای ایجاد کار می‌آیند و صنایع معدنی و فرسایش از گشوده میشود. موانع صدور و فروش نفت از میان برداشته میشود و مطمئناً از هر جهت مورد حمایت قرار می‌گیرد. شرط اولیه این مساعدتها آزاد کردن گروگانهاست که لیبرالها قویاً از آن دفاع می‌کنند.

پولهای ایران در بانکهای آمریکا و اروپا آزاد می‌گردد. رابعاً - سرمایه‌داران دلگرم و امیدوار به آینده بکار مشغول میشوند و بازار و صنعت مونتاز را رونق می‌بخشند. میان برداشته میشود و مطمئناً از هر جهت مورد حمایت قرار می‌گیرد. شرط اولیه این مساعدتها آزاد کردن گروگانهاست که لیبرالها قویاً از آن دفاع می‌کنند.

پولهای ایران در بانکهای آمریکا و اروپا آزاد می‌گردد. رابعاً - سرمایه‌داران دلگرم و امیدوار به آینده بکار مشغول میشوند و بازار و صنعت مونتاز را رونق می‌بخشند. میان برداشته میشود و مطمئناً از هر جهت مورد حمایت قرار می‌گیرد. شرط اولیه این مساعدتها آزاد کردن گروگانهاست که لیبرالها قویاً از آن دفاع می‌کنند.

آزادیهای سیاسی و رواج بحث آزاد تشعب و تفرقه و تضاد درونی گروهها را تشدید و بطور کلی از هر خط فکری دهها خط جدید سر بیرون می‌زند و این خطوط آنقدر بهم مشغول میشوند که هدفهای اصلی و از جمله لیبرالیسم را فراموش می‌نمایند. نمونه جامعه سیاسی و اقتصادی لیبرالها دموکراسی های غربی و بویژه فرانسه است که با وجود دهها حزب و گروه انقلابی و مخالف رژیم سرمایه‌داری و لیبرالیسم، در کمال قدرت سالیانست که به حکومت مشغول است و از تضاد و اختلاف مخالفان کیف می‌کند. (طرحی که نهایندی هم میخواست در ایران و بخصوص در دانشگاهها پیاده کند و فرصت نیافت). سابعاً - به کمک دلارهای نفتی و درآمد حاصل از رونق کاذب اقتصادی (نظیر آنچه در رژیم شاه هم بدست آمد) و جلوگیری از انللاف و زردی (لااقل برای مدت معینی) به تعدیل ثروت و افزایش دستمزد کارگران و کارمندان و نظامیان می‌پردازد. این رفاه بطور موقت مردم را راضی می‌کند. میزان اشتغال بالا می‌رود و امنیت اقتصادی و قضایی بوجود می‌آید. امنیت و رفاه دو شعار اصلی

لیبرالیسم است که بسیاری را به خود جلب کرده است. مدنی هم با همین شعار بیش از دو میلیون رای گرد آورد. با تزییق مسکن، رفاه و امنیت، لیبرالها امیدوارند که نوده‌های مبارز و انقلابی و کارگران را از لحاظ سیاسی عقیم سازند، خصلتهای مبارزه‌جویی را از آنان بگیرند، و تدریجاً آنانرا سیاست‌زدا کنند. می‌بینید که لیبرالها اگر قدرت را بدست آورند، قادرند برای مدتی طولانی و تا وقتی که مجدداً تضادها عمیق و ظاهر نگردند، آنرا نگاهدارند و انقلاب واقعی را به تاخیر بیندازند و حتی امیدوارند با استقرار جامعه‌ای شبیه دموکراسیهای غربی برای زمان نامعین و نامحدودی امکان و زمینه انقلاب مکتبی را از بین ببرند. در صورتی

بقیه در صفحه ۱۱

اتحاد نیروهای مؤمن بانقلاب ضرورت اجتناب‌ناپذیر مرحله کنونی است

وحدت و تضاد در استراتژی امپریالیسم و صهیونیسم (آمریکا و اسرائیل)

کرد، جا دارد سؤال‌های زیر را مطرح ساخت و بر سنا و واقعیتها پاسخهای صحیح و ضروری آنها را بناییم:

اگر بلحاظ خط و منافع استراتژیک، این دو اردوگاه تضادهایی هم با یکدیگر دارند، این تضادها از کجا ریشه گرفته‌اند و در مقایسه با وحدت ارگانیک موجود در واقعیت این تضادها در کجاست؟

هیچگونه تضادی در میان آنها وجود ندارد؟
۲- اگر بلحاظ خط و منافع استراتژیک این دو اردوگاه تضادهایی هم با یکدیگر دارند، این تضادها از کجا ریشه گرفته‌اند و در مقایسه با وحدت ارگانیک موجود، جایگاه واقعی این تضادها در کجاست؟
۳- وحدت و تضاد استراتژیک میان امپریالیسم و صهیونیسم تحت تاثیر چه عوامل و "فاکت‌هایی" تقدم و تاخر خواهند یافت و عوامل چگونه و با چه مکانیسمی بر آنها اثر خواهند گذاشت؟
۴- جایگاهی زمینه‌های وحدت و تضاد استراتژیک امپریالیسم و صهیونیسم چرا و چگونه معادلات استراتژیک را بخصوص در منطقه دگرگون خواهد ساخت؟

الف- هدفهای مشترک و وحدت امپریالیسم و صهیونیسم:

تردیدی نیست که آمریکا، اسرائیل را از مطمئن‌ترین و مورد اعتمادترین پایگاه - های خود در خاورمیانه میدانند و اسرائیل پیشقراول تهدیدات و تهاجمات و تأمین منافع استعماری و استعماری امپریالیسم در منطقه بشمار می‌رود. از سال ۱۹۴۸ که دولت اشغالگر صهیونیستی در فلسطین اشغال شده برپا شد، وحدت مسیر و مصالح امپریالیسم و صهیونیسم در صدر برنامه‌های رؤسای جمهور آمریکا قرار گرفته و هرچه بیشتر بر میزان کمکهای نظامی، اقتصادی، سیاسی آمریکا به اسرائیل افزوده شده است. بلحاظ نظامی ارتش اسرائیل زائیده و زائنده‌یست از ارتش آمریکا و گزارشهای سری پیناکون همیشه حاکی از اهمیت فوق - العاده این ارتش نماینده آمریکا در منطقه بوده است. در یکی از آخرین گزارشهای پیناکون تاکید گردیده که در حال حاضر اسرائیل از آنچنان قدرت و نیروی نظامی برخوردار است که می‌تواند هرگونه هجوم نظامی را از جانب هر اتحاد نظامی که باشد در هم شکند و این نیست مگر بخاطر تجهیز روزافزون ارتش اسرائیل با آخرین دستاورد - های تکنیکی و تسلیحاتی و نظامی ارتش آمریکا.

آنچه که در این مورد بر زبان کارتر جاری شده مراتب بیشتر از گزارش سری پیناکون میباشد. دفتر رئیس‌جمهور آمریکا در بیانیه‌های صریحاً خاطر نشان ساخته است که قدرت و توان نظامی اسرائیل و مصالح و منافع آمریکا در خاورمیانه ایجاب می‌کند که هرچه بیشتر کمکهای نظامی خود را به اسرائیل افزایش دهیم، آنچنان افزایشی که اسرائیل را قادر به رویارویی با هرگونه شکل و اتحاد نظامی در منطقه بنماید.

وزیر دفاع اسرائیل چندی قبل اعتراف نمود که اسرائیل به آنچنان تسلیحات جدیدی از سوی آمریکا دست یافته است که حداقل تا ۵ سال دیگر برتری کیفی و کمی خود را در منطقه حفظ خواهد نمود. فرمانده سابق پیمان آتلانتیک در گزارشی می‌گوید: "اسرائیل در خاورمیانه دولت و پایگاه نظامی بسیار با اهمیتی برای مقابله با اتحاد جماهیر شوروی و تضمین مصالح و منافع آمریکا در شرق میانه و جهان بشمار می‌رود و بر همین اساس هر روز هیئت‌های نمایندگی صهیونیسم روانه مراکز

اقتصادی - نظامی امپریالیسم شده و خواستها و نیازهای اسرائیل را مطرح می‌سازد. در همین اواخر با تصویب کارتر رئیس‌جمهور آمریکا میزان کمکهای اقتصادی، نظامی آمریکا بالغ بر ۲۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار گردید. هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه بارها با تاکید مکرر تعهد و التزام خود را بر بقاء و امنیت اسرائیل بیان داشته‌اند. در همین مبارزات انتخاباتی که در آمریکا جریان دارد، رهبری حزب جمهوریخواه اعلام نموده است که "وجود و بقاء و امنیت اسرائیل برای امنیت آمریکا و دفاع از مصالح آن در جهان ضرورت احتیاجناپذیری می‌باشد و هیچ مرز و حد فاصلی میان قدرت و توان آمریکا و اسرائیل نباید وجود داشته باشد.

در حال حاضر آمریکا نفوق نظامی اسرائیل در کلیه جبهه‌های نظامی عربی را بعنوان اصلی حدها بپذیرد پذیرفته و با اصرار و تاکید بر آن عمل نموده است، هم‌چنین تعداد بسیار زیادی از موشک‌های صدهائی "شهربر" را که قیمت آنها بالغ بر سیلونها دلار مسعود در اختیار ارتش اسرائیل قرار داده و از مجموع ۳۰۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار آن سهم اسرائیل بشمار می‌رود. در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی هم امپریالیسم آمریکا از هیچگونه کمک و حمایت هم‌چنانچه از پایگاه صهیونیسم در خاورمیانه دریغ نرورزیده و در همه" مجامع بین‌المللی از

میسود. ۵- وجود سرمایه‌داران صهیونیست در آمریکا و نقش مهم و حساسی که در تعیین خط مسی و استراتژی امپریالیسم دارند، ضامن قابل اعتمادی بر جریان وحدت ارگانیک و استراتژیک امپریالیسم و صهیونیسم می‌باشد. توجه به مسائل یادشده ریشه‌های وحدت ارگانیک و استراتژیک امپریالیسم و صهیونیسم را روشن می‌سازد.

ب- آیدرمن زمینه‌های وحدت یاد شده تضاد یا تضادهایی هم در میان امپریالیسم و صهیونیسم وجود دارد؟

آیا این استدلال که امپریالیسم جزیر منافع و سوداگرپهای خود نمی‌اندیشد صحیح هست یا خیر؟ اگر چنین باشد و اسرائیل و صهیونیسم حرکتی داشته باشند که کاملاً منافع امپریالیسم را تأمین نکند، آمریکا چه موضعی خواهد داشت؟ و آیا اصولاً تاکنون چنین مسائلی و مواضعی پیش آمده است یا خیر؟ برای یافتن پاسخ سؤالیهای یادشده الزاماً باید نظری بدرون جامعه اسرائیل بناندازیم و ببینیم در اسرائیل چه می‌گذرد؟

در اسرائیل چه می‌گذرد؟

صهیونیسم در درون جامعه اسرائیل با معضلات و پیچیدگیهای اقتصادی شدیدی مواجه گردیده و تورم بمیزان وحشتناکی



فرزند نامشروع خود جانبداری نموده است. دلایل عمده و اساسی برای چنین وحدت نظامی، اقتصادی، سیاسی میان امپریالیسم و صهیونیسم عبارتند از:
۱- امپریالیسم و سرمایه‌داری جهانی ماهیتاً جهان‌خواهر و توسعه‌طلب و تجاوزکار است و هم‌چنین منافع و مصالح وی با خلقهای جهان تضاد دارد و بر همین مبنا در هر نقطه‌ای از جهان باید پایگاهها و نیروهای نظامی و پیشقراولانی جهت تضمین و تأمین منافع و مصالح استعماری و استعماری خود داشته باشد.

وقتی از وحدت ارگانیک، استراتژی کنونی امپریالیسم و صهیونیسم سخن می‌گوئیم، آیا این بدان معنی است که هیچگونه تضادی در میان آنها وجود ندارد؟

۲- شرق میانه از مناطق بسیار حساس و استراتژیک برای امپریالیسم بشمار می‌رود و نفت جاری از این منطقه شران حیاتی، اقتصاد امپریالیسم است، علاوه بر آن روابط ارزی و اقتصادی و تجاری با این منطقه بسیار مهم و تعیین‌کننده میباشد. اهمیت جریان نفت از یکسو و روابط اقتصادی و تجاری از سوی دیگر به زاندارم قابل اعتماد و وفاداری نیاز دارد.

۳- با حاکمیت استبداد، ارتجاع، استعمار و استعمار، زمینه‌های بسیار مساعدی برای رشد و اوج‌گیری نهضت‌های نودهای نوچیدی و ضدامپریالیستی و آزادی - بخش در سراسر منطقه تکوین یافته و آینده‌نهنها ناخوشایند، که بسیار خطرناکی برای امپریالیسم و صهیونیسم ترسیم گردیده و برای رویارویی با نهضت‌ها و انقلابهای مردمی باید پایگاه مورد اعتماد و مناسبی در منطقه داشت.
۴- اسرائیل حلقه‌ای از زنجیر استراتژیک تسلط امپریالیسم بر خاورمیانه و خلیج فارس و دریای سرخ و آفریقا محسوب دانان اسرائیل متوقع نیستند که این

فرار داد بودجه نظامی اسرائیل را که بیش از ۱/۳ کل بودجه را تشکیل میدهد کاهش دهد. اسرائیل در طی ۱۵ سال بین سالهای ۱۹۶۷-۱۹۵۲ (۱۳۴۶-۱۳۳۱) دگرگونی عمیقی بلحاظ اقتصادی پست سر گذاشته بود و تولید و خودکفایی اقتصادی از مهم‌ترین شعارهای اساسی این دوران بشمار می‌رفت. در آن سالها این شعار تنها یک رؤیا و تصور نبود بلکه میزان رشد اقتصادی اسرائیل در سالهای یادشده از مهم‌ترین میراثهای رشد اقتصادی بود.

این رشد اقتصادی که با توجه به چشمگیر نبودن امکانات طبیعی و منافع معدنی و زیرزمینی و نیروی کار ماهر و ورزیده، بسیار مهم می‌نمود، بر چند عامل متکی بود که در رأس همدی آنها سیل دلارهای بود که سرمایه‌داران صهیونیست از نقاط مختلف دنیا به اسرائیل سرازیر می‌ساختند. کافی است گفته شود که اسرائیل در فاصله سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳ در مجموع ۱۸ میلیارد دلار از طریق سرمایه‌داران صهیونیست و کمکهای یهودیان جهان و غربانی که دولت آلمان پرداخت، دریافت نموده است. جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل با عوارضی که داشت بکاره بر ثبات اقتصادی متکی بخارج اسرائیل لطفات و صدمات شدیدی وارد آورد، بکاره بر میزان واردات تسلیحاتی از جدیدترین نوع آن و با گرفتارن قبضتها افزوده شد و قیمت تسلیحات وارداتی از ۱۱۶ میلیون دلار به ۸۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. جنگ ۱۹۷۳ بار دیگر ضربهای بر بیکر بیمار اقتصاد اسرائیل وارد ساخت و توازن اقتصادی برهم خورد. کسر بودجه که قبل از سال ۱۹۷۳ به ۵۰۰ میلیون دلار بالغ

شده بود، به حدود ۴ - ۳ میلیارد دلار رسید و جبران چنین عدم توازن تنها در گرو کمکهای مالی امریکامینوانست باشد، چنانکه مشاهده می‌شود اسرائیل بلحاظ اقتصادی و نظامی روز بروز بیشتر و بیشتر وابسته به امپریالیسم میشود و بقاء و حیات و موجودیت آن شدیداً بکمکهای اقتصادی آمریکا بستگی می‌یابد و خواهیم دید که تضادهای موجود میان امپریالیسم و صهیونیسم هم دقیقاً از همین مقوله سرچشمه می‌گیرد. اسرائیل امروز بیش از هر زمان دیگری بصورت زائده‌ای از اقتصاد و سیاست امپریالیسم درآمد است و بیش از هر زمان دیگری مجبور بایستادن کامل در خط آمریکا میباشد، با توجه باین وابستگی عمیق و با توجه به آینده متفاوتی از "اسرائیل" که صهیونیست و امپریالیسم هر یک بر اساس معادلات استراتژیک خود ترسیم نموده‌اند، بتدریج به عمق تضاد در وحدت آمریکا و اسرائیل بی خواهیم برد.

امروز اسرائیلیان فریفته و عده‌های بن گوریون و گلدامایر و بگین این واقعیت تلخ و غیرقابل انکار را با تمام وجود خود لمس می‌کنند که واشنگتن برای هر مرد و زن و کودک اسرائیلی روزانه «۷/۵» دلار معادل با ۵۰۰ ریال باید پردازد تا اسرائیلی برجای بماند.

اسرائیلی که بنیانگذاران صهیونیسم در اندیشه و تصور داشتند و دارند و اسرائیلی که مناسخ بکین سالیان دراز در آرزوی تحقق آن زینسته، اسرائیلی است که از نیل تا فرات گسترش یافته و امپراطوری بزرگ صهیونیستی را برپا میدارد و با حداقل آنچنانکه بکین بعد از جنگ ۱۹۶۷ صریحاً اعلام داشته بود، اسرائیلی است که بیت‌المقدس و تمامی سرزمینهای اشغالی و حتی صحرای سینا را در بر گرفته و مرزهای مستحکم نظامی آن بر قنات سوئز از یکسو و نهر اردن از سوی دیگر استوار شود. در حال حاضر بیدایش حداقل سه عامل اساسی و تبلور و تجلی آن در منطقه مواضع سختی بر سر راه وصول چنین هدفهایی بوجود آورده است که عبارتند از:
۱- تبلور انقلابی اراده توده‌های فلسطینی در مبارزه‌های مسلحانه و سخت و بی‌گیر و درازمدت.

اسرائیلی که صهیونیسم در اندیشه دارد:

۲- رویارویی با مطامع و دسیسه‌های استعماری، استعماری امپریالیسم و مقابله با تحولات سوداگرانه کارتلها و تراستها و سرمایه‌داران در منطقه.
۳- حمایت همه‌جانبه از کلیه نهضت - های آزادی‌بخش ضد استعماری و ضد - امپریالیستی.
۴- بازی و کمک گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی برای مواجه شدن با توطئه‌های امپریالیسم.
۵- بخطر افکندن حکومتهای مرتجع و وابسته در منطقه که الزاماً مواضع و منافع امپریالیسم را تهدید می‌نمود و دست - آوردهای همین استراتژی در انعقاد قرارداد کمب‌دیوید منعکس شد و خط و نظام و سیاست سادات بر جای نظام و سیاست جمال‌عبدالناصر مستقر شد که مشخصات خط سادات عبارتند از:
۱- از هم دریدن وحدت و یکپارچگی خلقهای منطقه و اعمال سیاستهای امپریالیسم در کشورهای عربی و اسلامی و آفریقائی.
بقیه در صفحه ۹

۲- بنداری و حرکت توده‌های عرب و مسلمان در کشورهای عربی و اسلامی که مشکلات فراوانی برای حکومت‌های وابسته و ارتجاعی ایجاد کرده‌اند و حکام و سوح و رهبران وابسته عرب را ناگزیر به اتحاد مواضعی و ادار ساختنند.

۳- عامل نفت و اهمیت فوق‌العاده‌ای که بلحاظ اقتصادی و نظامی و سیاسی در جهان و منطقه یافته است.

صهیونیسم جهانی و اسرائیل همور هم شدت از جانب امپریالیسم تقویت می‌شود اما حیاتیات و کمکهای نظامی و اقتصادی آمریکا در جهت کشاندن هرچه بیشتر اسرائیل بخطر استراتژی امریکاست و اسرائیل جز این راهی ندارد. بعد از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ امپریالیسم آمریکا منافع و مصالح خود را در بازای عقب‌نشینی‌های اسرائیل از مناطق اشغال‌شده میدانست و اسرائیل چاره‌ای جز آن نداشت. تغییر و دگرگونی که نفع استراتژی امپریالیسم در مصر روی داد و آمریکا سخت درهرچه عمیق‌تر ساختن این تغییر تلاش کرد و میکند، مبیاید بهرحال و بهر صورت از جانب اسرائیل مراعات میشد که شد.

تقسیم‌بندیهای مضحکی که بنام "بازها" و "کوتورها"ی اسرائیل از آن نام برده میشود و خود از تعبیرات درون جامعه سرمایه‌داری آمریکا میباشد، عملاً بی‌محتوی و غیرمنطقی از آب درآمدند چرا که بکین که از سردمداران بازها بشمار می‌آید، معتقد بود که بر اساس کتاب مقدس! "آبا" و اجداد اسرائیلیان بر سینا حکومت کرده‌اند، خود پیشقدم عقد موافقتنامه تخلیه سینا از نیروهای اشغالگر اسرائیلی شد و این تخلیه دقیقاً در خط استراتژی امپریالیسم آمریکا بود تا در خط رویاهای صهیونیستی و شونیستی بکین و دیگر

جانبکاران صهیونیست!! و عبارت دیگر باید گفت که اصولاً جنگ و یورش غافلگیرانه ۱۹۶۷ نمود بارزی از استراتژی خاورمیانه‌ای آمریکا بود، استراتژی توطئه و دسیسه و جنگ برای سقوط جمال عبدالناصر سمبل نوعی از نظام و نوعی از اقتصاد و سیاست که امپریالیسم را خوش نمی‌آید و "اصولاً" آمریکا، اسرائیل را از آن جهت بهما میدهد و ارج میدارد که حامل و مروج ومدافع استراتژی حاکمیت بی‌چون و چرای امپریالیسم بر منطقه گردد.

در سال ۱۹۶۷ آمریکا ظاهراً از خطر بزرگ رویاهای جمال عبدالناصر مبتنی بر موارد زیر رهایی یافت:
۱- تکیه بر وحدت و یکپارچگی خلقهای عرب و فراتر از آن خلقهای مسلمان و همدی توده‌های استعمارشده در آسیا و آفریقا و امریکای لاتین.
۲- ضرورت رهایی فلسطین اشغال‌شده بدست خلق فلسطین و تأکید و تاکید خلقهای عرب و غیرعرب منطقه.
۳- رویارویی با مطامع و دسیسه‌های استعماری، استعماری امپریالیسم و مقابله با تحولات سوداگرانه کارتلها و تراستها و سرمایه‌داران در منطقه.

۴- حمایت همه‌جانبه از کلیه نهضت - های آزادی‌بخش ضد استعماری و ضد - امپریالیستی.
۵- بازی و کمک گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی برای مواجه شدن با توطئه‌های امپریالیسم.
۶- بخطر افکندن حکومتهای مرتجع و وابسته در منطقه که الزاماً مواضع و منافع امپریالیسم را تهدید می‌نمود و دست - آوردهای همین استراتژی در انعقاد قرارداد کمب‌دیوید منعکس شد و خط و نظام و سیاست سادات بر جای نظام و سیاست جمال‌عبدالناصر مستقر شد که مشخصات خط سادات عبارتند از:
۱- از هم دریدن وحدت و یکپارچگی خلقهای منطقه و اعمال سیاستهای امپریالیسم در کشورهای عربی و اسلامی و آفریقائی.
بقیه در صفحه ۹

۴- حمایت همه‌جانبه از کلیه نهضت - های آزادی‌بخش ضد استعماری و ضد - امپریالیستی.
۵- بازی و کمک گرفتن از اتحاد جماهیر شوروی در زمینه‌های اقتصادی، نظامی، سیاسی برای مواجه شدن با توطئه‌های امپریالیسم.
۶- بخطر افکندن حکومتهای مرتجع و وابسته در منطقه که الزاماً مواضع و منافع امپریالیسم را تهدید می‌نمود و دست - آوردهای همین استراتژی در انعقاد قرارداد کمب‌دیوید منعکس شد و خط و نظام و سیاست سادات بر جای نظام و سیاست جمال‌عبدالناصر مستقر شد که مشخصات خط سادات عبارتند از:
۱- از هم دریدن وحدت و یکپارچگی خلقهای منطقه و اعمال سیاستهای امپریالیسم در کشورهای عربی و اسلامی و آفریقائی.
بقیه در صفحه ۹

نابود باد امپریالیسم و پایگاههای داخلی آن، لیبرالیسم و ارتجاع

مصاحبه با گودنشینان اسلام آباد اردبیل

محلّه اسلام آباد "فرج بادساق" در ۲/۵ کیلومتری غرب اردبیل در کنار کوره‌های آجرپزی واقع شده است. در این محلّه، مانند دیگر محلات حاشیه‌نشین اردبیل، دیدگان در بحسین برخوردار با فقر و محرومیت و درد آسایشی حاصل می‌کنند.

این محلّه حدوداً ۲۰۰۰ نفر جمعیت را در ۳۰۰ خانوار در خود جای می‌دهد که درآمد انسان عمدتاً از طریق کار نوافرسا در کوره‌های آجرپزی و با کارگری ساختمان نامی می‌گردد.

کارگران کوره‌بازخانه به سبب سرد بودن هوا در فصل زمستان و همچنین نبودن مشتری برای خرید آجر در این فصل، عملاً فقط ۵ ماه از سال را به کار اشتغال دارند و بقیه ماه‌های سال را با در بیکاری به سر برده و یادارخانه‌قالی می‌فایند. زنان محروم و نیز بچه‌های برآستعداد که بدلیل فراهم نبودن شرایط مناسب برای رشد و شکوفایی آن استعدادها محکوم جبر محیط گردیده‌اند در این امر به مردان در فصل بیکاری کمک می‌کنند اهالی محل از حداقل امکانات رفاهی چون آب و برق و اسفالت و بهداشت و... که دیگر گفتنش تکرار مکررات گردیده محرومند.

در مدخل ورودی محلّه رودخانه‌ای به عرض ۴ متر وجود دارد که در وقت برآبی رفت‌وآمد را مشکل می‌کند، خانه‌های محل که ۱/۵ تا ۳ متر پائین تر از سطح زمین واقع گردیده‌اند با آمدن اندکی باران، آب آنها را فرا می‌گیرد و به همین علت دیوار خانه‌ها همواره مرطوب و نمناک است.

ساکتین محل نیز به خاطر دوری از شهر و عدم ارتباط با توده‌های آگاه شهر و نبودن کتابخانه و نداشتن سواد نوشتن و خواندن از اوضاع جاری کشور و مسائلی که وقوعش در ارتباط تنگاتنگ با سرنوشت آنان است بی خبرند.

محلّه اسلام آباد دارای شورای نیز می‌باشد که صاحب ۲۰ نفر عضو است، از جمله اقدامات قابل ذکر این شورا را بخش تایدو و روغن، ایجاد یک شعبه نفت، شن ریزی کوجها و همچنین حل اختلافات اهالی، می‌توان نام برد.

همیشه قرار بر این بوده که دردها، مصائب و مشکلاتی که تا بحال حل نشده فقط از طریق ارائه گزارش و توصیف جغرافیایی آن مکان و محل انجام گیرد، اکنون برای هر چه بیشتر آشناسدن با مسائل این محلّه با خود اهالی به گفت‌وگو می‌نشینیم: بهتر است که دردها و نیازهای منطقه را از زبان اهالی آن بشنویم:

۱- بهمین سغ اهل روستای دیجوجین، ۴۵ ساله

س- شغل شما چیست؟

ج- شغلیم چاه‌کنی است و وضع چاه‌کنی نیز معلومه دیگر، یک روز کار رهست، ۱۰ روز نیست.

کار ما کشاورزی است، در هر گوشه‌ای از مملکت که دولت تشخیص میدهد و صلاح میدانند به ما زمین و آب بدهد ما کار می‌کنیم.

س- چرا زندگی روستایی را ترک کرده و به شهر آمده‌اید؟

ج- ما که زمین نداشتیم، آنجا هم کارگری می‌کردیم، اینجا هم همینطور. س- چند ساله به شهر آمده‌اید و چند سر عائله دارید؟

ج- چهار یا پنج سال- با خودم ۵ نفریم، یک پسر دارم که مدرسه میره و دو دختر که بزرگترش ۷ سال دارد و برای کمک به خانواده قالی بافی می‌کنند و هفتای ۷۰ تومان می‌گیرد. اکثر دخترها و پسرهای محل در کارگاه قالی بافی کار می‌کنند.

س- مدرسه دارید؟

ج- نه، یک مدرسه دوکلاس درست کرده بودیم که تا حال معلم نیامده.

۲- خانم فاطمه، ۲۵ ساله، اجاره‌نشین.

س- خواهی چند ساله که به شهر آمده‌اید؟

ج- دو سال است که آمده‌ایم، شوهرم تو همین کارخانه کوره‌بازی کار می‌کرد و روزانه ۴۵ تومان حقوق می‌گرفت ولی الان سه ماهه که مرده است.

س- حالا خرجتان از کجا تامین می‌شود؟

ج- از طریق خودم و یسرم، یسرم مدرسه می‌رفت، و خیلی خوب درس می‌خواند، امسال باید به کلاس سوم میرفت و چون دیگر خرجی نداشتیم، خواستیم کارکنیم، همه‌جا رفتیم و درد دلم را گفتم، حتی چهار، پنج بار به کمیته پیش خود آقا رفتم (سرپرست کمیته) و گفتم که شوهرم مرده و من با ۳ تا بچه مانده‌ام، برای من یک کاری مثل کلفتی و با شیشه آن جور کنید تا بتوانم خرجی بچه‌ها را درآورم ولی نتایجی نداد و منمم اجباراً یسرم را فرستادم در کارگاه قالی بافی کارکنم، صبح ساعت ۶ به کارگاه می‌روم و عصر ساعت ۶ برمی‌گردم و هفتای ۷۰ تومان می‌گیرم، خودم هم با این ماسین نخ میرسیم روزانه ۱۰۰ تومان در می‌آورم.

یک سال پیش شوهرم مرده بود، ریه‌هایش خراب شده بود، دکترها گفتند، آنقدر تو کوراً جریزی توی گردو خاک کار کرده که ریه‌ها هایش خراب شده. تا سماه پیش که رفت و رفت و هرچه هم داشتیم فروختیم و خرج دوا و دکترش کردیم، دو سه دفعه هم رفتم پیش حاج آقا (حاج رحیمیان، صاحب کوره بزرگ) ولی خوب، آنها که دردی ندارند

س- چرا شما این کود را برای زندگی انتخاب کرده‌اید؟

ج- چون قیمتش ارزان بود، ولی (رحیمیان، صاحب کوره) تا بحال به ما سند نداده و دو سه دفعه صورتحلسه کردیم و رفتیم کمیته، ولی کسی به حرفمان گوش نداد.

س- اگر به شما زمین بدهند، بعد همان برسگردید ج- خوب، کار ما کشاورزی است، در هر گوشه‌ای از مملکت که دولت تشخیص می‌دهد و صلاح میدانند، به ما زمین و آب بدهد، ما کار می‌کنیم، حتی اگر سندرعیاس باشد، چه فرقی می‌کند، همه جا مال ایران، ما که تا حالا کمکی بدولت نکرده‌ایم، به غیر از راهبیمانی و نظاهرات، حالا بیاد بیاوریم بدهد، وظیفه ماست که بریم کار کنیم و به دولت کمک کنیم.

س- شما فکر می‌کنید دولت چگونه می‌تواند به شما کمک کند؟

ج- راستی را بخواهید، ناوفتی افرادی



مانند صاحب کوره سرکارهست، ماها همین هستیم که هستیم ولی اگر اینها را بیاره و بیکه این همه ملک و دارائی را از کجا آوردن مسلمان عاجز خواهند ماند ولی مسافانه اینکار را نمی‌کنند، تراخدا آخر انصافه که ما ۳۰۰ خانواده، نه آب داشته باشیم و نه برق و نه مدرسه ولی به کوره‌های آقایان که فاصله اش از ما هم دورتره تلفن هم کشیده‌اند.

س- شما چه انتظاری از جمهوری اسلامی دارید؟

ج- والله، آنطور که من شنیده بودم می‌گفتند اگر شاه برود و حکومت عوض شود اولین دسته از مردمی که به وضعیتشان رسیدگی خواهد شد، ماها هستیم ولی تا حال کسی نیامده که بپرسه شما چه کارماید، حاجی هم که سر جای خود باقی است (منظور صاحب کوره بزرگ است) و وضع زیاد فرق نکرده و علاوه بر این مقداری هم ما محتاج گران شده است.

۳- صونا خانم، دارای هشت سرعائله

س- شوهرتان کجاست؟

ج- نمیدانم، می‌گن رفتن رشت، شاید آنجا کار گیر آورد.

س- چرا رفتن؟

ج- آقا، از بدی روزگار، اینجا تو کوره‌کار می‌کرد و خیلی زنگ بود ولی از آنجا بیگارش کردند.

س- چرا؟

ج- آخه این زمینها که ما خانه درست کرده‌ایم مال همین اربابه، خاکش را آجر درست کردند و اینجا گودش و ما از این زمین گود مقداری خریده و خانه ساختم ولی ارباب سندش را به ما نداد، بعد از انقلاب هم رفتیم کمیته و شکایت کردیم ولی توجه نکردند و بخاطر این مسئله ارباب شوهر مرا از کوره بیرون کرده‌است.

۴- عبدالرحیم

س- شما اینجا چه کار می‌کنید؟

ج- بنام خداوند بخشنده می‌بخشند، ما که از زده آمده‌ایم فعلاً کاری نداریم سه ناز فرزندانم به کارخانه قالی بافی می‌روند و بقیه به علت کوچکی سن نمی‌توانند کار کنند، من خودم قبلاً در کارخانه آجرپزی

استثمار کارگران در کوره‌پزخانه‌های گران

یکی از کارگران کوره‌پزخانه: «اگر این کوره‌پزخانه‌ها را در اختیار خودمان بگذارند، آجر را با قیمت خیلی ارزان در اختیار مردم می‌گذاریم زیرا این سرمایه‌داران هستند که باعث گرانی آجر می‌شوند.»

بعلت فقر مادی که در منطقه زندگیشان وجود دارد برای رفع نیازهای مادی و پیدا کردن کار به گران می‌آیند که بعلت فقر شدید اقتصادی اکثر کوره‌بازان بطور خانوادگی بکار مشغول می‌شوند.

تقریباً ۷۰٪ از کارگران زحمتکش این کوره‌پزخانه به تریاک یا شیره معتادند و هر روز باید مبلغ زیادی را صرف خرید این مواد کنند. علت اعتیاد بسیاری از آنها نیز کار طاقت‌فرسای است که هر روز از صبح تا شب با آن دست به گریبان هستند.

وضع بهداشتی و تغذیه‌ای: کارگران بدلیل کار طاقت‌فرسای روزانه دیگر مجال فکر کردن به مسائلی که حول و حوش خود می‌گذرد مانند بهداشت و مسائل دیگر را ندارند و وقتی هم از بهداشت با اسیان صحبت می‌شود، با لبخندی برآز درد و معنی می‌گویند: بهداشت، مال پولدار هاست و ما بیچاره‌ها فقط باید دنبال یک لقمه نان باشیم که از گرسنگی نمیریم و در این میان بعلت نداشتن جایی مناسب برای زندگی اکثر فرزندان این کارگران به مرض‌های گوناگون مبتلا هستند. لذا فقر و بیچارگی از مشخص‌ترین نشانه‌های کارگران کوره‌پزخانه‌ها محسوب می‌آیند.

و این گوشه‌ای از دردهای کشورماست که بعد از گذشت چندین ماه از پیروزی انقلاب، اقدام بنیادی در جهت از بین بردن اینگونه روابط ظالمانه و علاج دردها صورت نگرفته است.

بامسد نابودی هرگونه روابط ظالمانه در کارگاهها



گذری بر روستاهای اراک

آن شدت احساس می‌شد، احداث گردیده است. و بدین ترتیب قدم‌هایی چند در راه سازندگی این روستاهای محروم صورت گرفته است که امیدواریم همچنان ادامه یافته و همانطور که امام نیز اشاره نمودند، نسبت به وضع محرومین و زاغ‌نشین‌ها رسیدگی بیشتر و اساسی‌تر بعمل آید.

با گذری بر روستاهای کوس علی - مروراید دره، تاج‌دولت‌شاه، چقاسیا، نهرمیان کله، از روستاهای استان مرکزی و اطراف اراک شاهد تغییراتی چند در آنها خواهیم بود. هر یک از این فرا دارای یکالی چهار رشته قنات هستند که عدم توجه و لایروبی و ترمیم آنها در زمان رژیم گذشته باعث بی‌آبی و خشکسالی مزارع شده بود و پس از انقلاب با تلاش اعضای جهاد سازندگی و با کمک روستائیان (چندی بیش نیز یکی از روستائیان ساکن مروراید دره که بمنظور لایروبی یکی از قنات تکمک برادران جهاد سازندگی شتافته بود، جان خود را بر اثر ریزش چاه از دست داد)، این قنات برآبی گذشته خود را باز یافتند. همچنین خطوط ارتباطی بین قنات و قصبات در دست ساختمان میباید و بناهای بهداشتی چون درمانگاه و حمام که کمبود

با قطع ید از سرمایه داران و دلالتان به جنگ گرانی برویم

برای مقابله با امپریالیسم شوراهای را تقویت و در کارخانجات هسته‌های مقاومت مسلح بوجود آورید

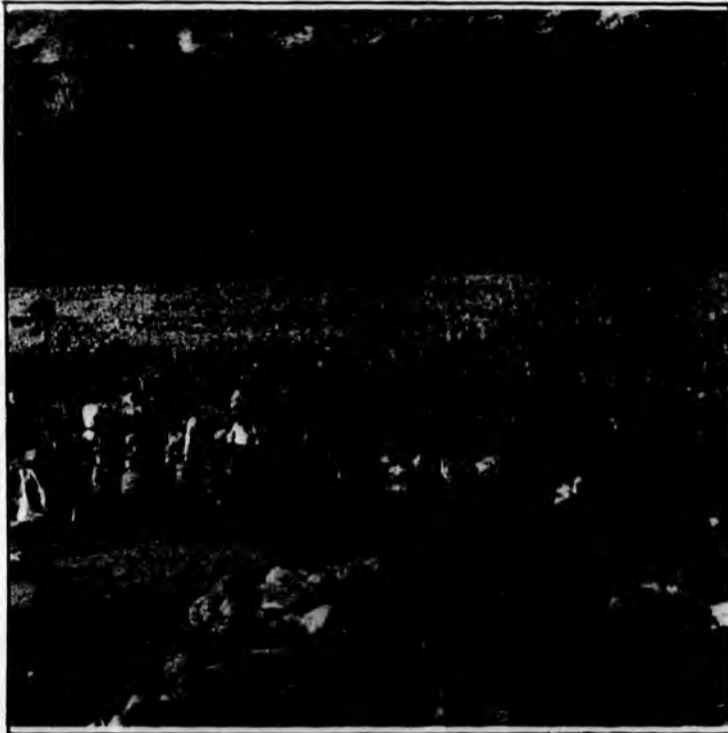
تأثیر اقدامات ضد فئودالی در مبادلات روستائی

طبق تصمیم شورای اسلامی دهقانی خلیفه کندی که اداره روستا را به عهده گرفت حق بازار که حق همه اهالی روستا است در صندوقی واریز می شود تا درمانگاهی برای روستا ایجاد شود.

داری واسنه و از بین رفتن اقتصاد کشاورزی در کشور جای محصولات محلی را محصولات وارداتی پر کرد و الان عملاً ۶۰٪ محصولات مورد معامله از خارج منطقه وارد می شود.

منطقه مهربانرود بدروسناهایی که در بین رستدکوه سهند و جاده تبریز - تهران و سراسر وجود دارد و بعد از آن ۶۰٪ تولید است می گویند و کلا در این منطقه ۲ بازار وجود دارد که یکی بازار تره جایی و دیگری خلیفه کندی است که بر حسب در روزهای جمعه و شنبه رواج دارد. ساعات کار این بازار از صبح زود تا ظهر است و در این روز تقریباً تمام اهالی روستاهای منطقه جهت وسایلی که قابل فروش است و یا چیزهایی که مورد احتیاج آنها هست با آن ساده و

جهت از بین بردن این روابط استعماری و غیراسلامی در نوبت و تجارت بعد از دستگیری ۱۴ فئودال منطقه خلیفه کندی و اعزام ۳ تن از آنها جهت محاکمه به دادگاه انقلاب اسلامی تبریز، بازار خلیفه کندی را به پیشنهاد اهالی از حالت غیراسلامی در می آورند و قرار شد که طبق تصمیم شورای اسلامی دهقانی خلیفه کندی که اداره روستا را برعهده گرفت، حق بازار که حق همه اهالی روستا است در صندوقی واریز شود تا درمانگاهی برای روستا ایجاد شود و در مسائلی که با مردم روستا بود، از این امر استقبال کردند و خواهان از بین بردن حق دلالتی نیز بودند که این امر نیز از جانب برادران هشت در دست اجرا است. غنای بازار



با اسب و الاغ و سگ و گاو و بز و گوسفند و بعد از خانه زدن با دلال بر سر قیمت دلالتی اجناس قابل فروش و با خرید را مورد معامله قرار می دهند. در آنجا طبق قانون فئودالها هیچ معاملاتی بدون دلال انجام نمی شود. در بازار تره جایی بجای اینکه حق بازار و دلالتی به خانها پرداخت شود، بین ۴ طایفه متحولین روستا تقسیم میشود. در چند مدت پیش برادران اعزامی از هیئت ۷ نفره واگذاری زمین به دهقانان

وجود بازارهای روستائی در ایران قدم الامام نشانه ای از خودکفایی و استقلال اقتصادی روستاها از شهرها بوده است و شهرها بعنوان مصرف کننده محصولات روستائی و تامین کننده بعضی نیازهای صنعتی (ابزار و آلات کشاورزی) آنها مشخص می شدند، مخصوصاً در مناطق بزرگ روستائی که از شهرها نیز دورند موجودیت این بازارها حیاتی است، بطوری که روستائیان از این بازارها استفاده می کردند و محصولات خود را بصورت بابابای ساده می کردند. محل و وضعیت برای بازار در طی سالهای منمادی تغییراتی کرده است و تا همین چند مدت پیش بعلت حاکمیت فئودالیسم در منطقه بخصوص دهکده خلیفه کندی که ۱۴ خان در آن زندگی می کردند و سالهای سال شیره خون مردم را می مکیدند، بازارها هم در انحصار این خانها بوده است. این فئودالها بوسیله ساترانسان نفس بازار را از لحاظ دلالتی و حق بازار (پولی که کشاورزان و روستائیان می بایستی بابت زمین بازار به فئودال پرداخت نمایند و این صرف نظر از دلالتیهای بود که به ساتران ارباب پرداخت می شد) در دست داشتند و از این راه هم درآمد زیادی را به جیب می زدند و بدین شکل مفتخوارگیشان افزوده می شد. روستائیان بتدریج در اثر حاکمیت نظام اقتصادی سرمایه داری، زیر بار پرداخت حق دلالتی رفتند ولی در پرداخت حق زمین بازار به اربابان طفره می رفتند زیرا ادعای اربابان را منعی بر مالکیت آنها و اجزای خودشان رد می کردند و با استدلال اینکه زمین مال تمام اهالی ده است و اگر حقی گرفته شود باید به جیب تمام اهالی برود، عملاً همیشه بازار صحنه کشکین و زورگویی و تهدید و اربابان نسبت به دهقانان تسکیده بود. در قبل از سال ۱۳۴۱ محصولاتی که در بازار مبادله میشد، حاصل دسترنج خود اهالی بود، ولی بتدریج با حاکمیت سرمایه

استثمار کارگران در کارخانه های آردسازی خرم آباد

کارخانه آردسازی "آرد باه" واقع در ۳ کیلومتر ۳ جاده خرم آباد - اندیشک میباید که تعداد کارکنان آن از کارگران مهندسین و تکنیسین ۷۳ نفر بوده و اکثریت کارگران سوادند. این کارخانه در حدود سالهای ۴۱-۴۲ بوسیله سرمایه دار معروف محمد سوادری و همکاری مهندسان سوسیالیست شد و با تمل از انقلاب بوسیله مهندسان و عیدادی مهندسین هندی که حقوق های کلانی می گرفتند اداره می شد. وسایل بدک آن نیز هنوز از خارج وارد میشود که واسطی به صانع بوساز را حفظ می کند. وضع کارگران در این کارخانه بسیار آشفته است. عدم هرگونه وسایله رفاهی و بهداشتی و امکان قطع دست و انگشتان و اسیدداد کارفرما که اخیراً بوسیله هیئت پاکسازی اقتا شد و سر عدم شورا و کتابخانه، انجمن، مسجد و کارطافت فرسای ۸ ساعت در روز و قطع بود ویزه، با دستمزد روزانه ۶۳ ریال وضع را بدتر کرده است. اطاعت بدون

امید است با ملی شدن اینگونه کارخانه ها که تعدادشان هم کم نیست گامی در جهت آزادی کارگران برداشته شود و سود کلانی که به جیب سرمایه داران ریخته میشود به صاحبان اصلی خود یعنی کارگران برگردد.

عوامل رشد زالوهاست و فقر فرهنگی و عدم استفاده از فرهنگ انقلابی اسلام که فئودالیسم سعی میکند جلوی رشد این فرهنگ را بگیرد. زیرا از آگاهی مردم ترس دارند و نابودی خود را در آگاهی طبقه محروم می بینند بهر صورت اگر وضع بدین صورت ادامه داشته باشد، شاهد صحنه های ناسف انگیز فراوانی خواهیم بود مسئولین منطقه هیچ کاری با این آفتابان نمیکند چون مستضعفان ندارند و شوه ضعف گشی هنوز بر این ناحیه حاکم است.

مرکز بر امیرالیسم جهانبخوار دشمن اصلی سیرت. هرچه مستحکم تر باد اتحاد مستضعفان و ارتسین واقعی زمین

گامی در جهت قطع وابستگی در کارخانه بریجستون

کشور صنعتی زاین سراز ترمیم خسارات وارده از جنگ دوم جهانی با حمایت سرمایه داری سرمایه داران بزرگ آمریکائی و اروپائی تا بدانجا در زمینه تولید وسایل ظریف الکتریکی پیش رفت که نتوانست در مدت کوتاهی بازار فروش وسیعی را در کشورهای جهان دوم باز کند.

شرکت بریجستون زاین در اکثر کشور های خاورمیانه کارخانه های به این نام ایجاد کرده است. کارخانه لاستیک سازی بریجستون در ایران که در چند کیلومتری شیراز در جاده بریجستون مقابل پایگاه هوائی واقع شده است، حدود پنج سال پیش با شراکت ایران و زاین تاسیس شد. ۵۵٪ سهام این کارخانه متعلق به زاین و بقیه متعلق به بانک صنایع و شرکت نامی ایرانی می باشد. هیئت مدیره کارخانه از نماینده سهام داران کارخانه تشکیل شده است که بجز زاینها بقیه حتی کوچکترین اطلاعی از وضعیت کارخانه ندارند. طبق قراردادی که ایران با زاین امضا کرده، مدیریت کارخانه بایستی توسط زاینها اداره می شود و همچنین بجز تعداد معدودی مهندس ایرانی اکثر کاردهای تخصصی این کارخانه زاینی بوده اند. و بنا بر گفته کارکنان کارخانه، زاینها به هیچ وجه حاضر نبودند که مهندسین ایرانی تخصصی در امور کارخانه بیدار کنند و کارگران کارخانه اکثر از روستاهای اطراف می باشند که پس

بنابر گفته کارکنان کارخانه، ژاپنی ها بهیچ وجه حاضر نبودند که مهندسین ایرانی تخصصی در امور کارخانه پیدا کنند.

فعالیتی که نقش مهمی در راه اندازی و کنترل کارخانه داشتند، تشکیل دادند. شورا از همان ابتدا تلاش عمده واسی خود را در جهت ملی کردن کارخانه بکاربرد و در این راه دست به اقداماتی همه جانبه زد. از جمله این اقدامات فرستادن چندین هیئت به تهران برای مذاکره با مسئولین بود که متأسفانه مسئولین مملکتی نوجهی به خواست شورا و کارکنان نمودند و کارخانه همچنان در وابستگی باقی ماند. گرچه حمایت نکردن دولت از ملی شدن کارخانه باعث بی میلی بسیاری کارگران و کارکنان نسبت به مسائل اساسی در کارخانه شده بود، ولی افراد فعال شورا دست از تلاش خود برنداشتند. سعی شان در شورای اول به جایی نرسید، پس از

چهره خانگزیده روستاهای سیستان (سه کوهه) - بقیه از صفحه یک

اهالی آرتاشکیل می دهند در جنوب غربی شهرستان زابل و در فاصله ۳۶ کیلومتری آن و چهار کیلومتری شرق روستای لوفلک قرار دارد. سه کوهه از روستاهای تاریخی آن به ارمان آورده است.

یکی از روستائیان خطر خوانین را اینطور بیان میکند: «بیشتر این مملکت از دست خان و سردار خراب است، چون همیشه رعیت برای آنها کار مفتی انجام می داده است و حالا انجام نمی دهد توطئه چینی میکنند....»

سیستان است. تاریخ این روستا سراسر ظلم و خجاست خوانین و بردگی و ستمی روستائیان انسانهاست. دو ارگ بدک با دیوارهای سباز عریض و طولی که به قلعه نظامی شبیه است در اواسط روستا، خود نمایی میکند. این دو قلعه متعلق به یکی از خوانین مزدور و اجداد او می باشد. اوکی جز ابراهیم خان بردلی نیست، آری همان وکیل محالی ساخانه که مدتی ۱۶ سال قوانین ضد مردمی شاه را تصویب رسانده است. ابراهیم خان بردلی، بعد از توطئه های فراوانی که بر علیه انقلاب اسلامی و روستائیان بقیه در صفحه ۶

برای مقابله با امپریالیسم از مالکان خلع ید و دهقانان را مسلح سازید

وحدت لیبی و سوریه

ضرورتی که باید جدی تلقی شود

بقدرت منصف

حزبه عربستان و عدن و یمن و کویت و سنج نشینهای خلیج فارس و فلسطین و بالاخره دانه گسترده‌ای از دره‌های نیل تا کرانه‌های فرات بارت و سهمین انگلستان برده شدند که سخت به تضمین راههای هند، این مستعمره مظلوم و جباول شده نیاز داشت و با تسلط بر خلیج فارس و دریای عمان دغدغه خاطر امپراطوری سنیان

وحدت همه مستضعفین و رزمندگان عرب، ضرورت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی، منطقه‌انی و ملی است که الزاماً باید جوهر و خمیرمایه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی در تار و پودهای این وحدت نقش بسته باشد.

مصدق آرام می‌گرفت و آتوق توهین آمیز- برین و منحوسترین ردالت‌های تاریخی عرب استعمارگر بر زبانها جاری شد که این صد میلیون مسلمان و عرب را "قیومیت" می‌یابد، که ننگ و نفرت بر این تمدن و سوادهای حقارت آمیزان باد.

در شمال این توهین تاریخی سرمایه - داران و استعمارگران همزمان با جنگ دوم جهانی انسانهای مورد تهاجم استثمار و استعمار و تحقیر و نفی شخصیت فرهنگی - تاریخی بنا خاستند و دامنه نهضت‌های ضد استعماری و حرکت‌های آزادی بخش روز بروز

چرا لیبی الهادر حفظ مواضع

لیبرالها می‌دانند که اگر این مواضع کلیدی را از دست بدهند - بینش آنان بر نظام کشور و انقلاب حاکم نخواهد شد، از اینرو آن پست‌ها و وزارتخانه‌ها را برای خود می‌خواهند.

برای خدمت به این نظام بوجود آمده و منکی به دلارهای نفتی رشد و توسعه یافته است. ارتش ساختی استبدادی و استعمار- زده دارد و بینش لیبرالی بر آن حاکم است. کادری ارتش و ادارات و متخصصان و مدیران - در حقیقت سرمایه‌داری اداری - بر این مویست حکومت می‌کنند. بازرگانی کشور، کانال حیاتی اقتصاد وابسته و در خدمت منافع شرکت‌های چند ملیتی است. سیاست بازرگانی بر اساس صدور مواد خام (نفت، مس و...) و ورود مواد اولیه و قطعات یدک صنایع مونتاژ و کالاهای مصرفی و وابسته نگاهداشتن بازار و پول ایران به بانکها و بازار کشورهای استعمارگر است. وزارت خارجه سیاست همراهی و توافق با امپریالیستها و هماهنگ ساختن آن با منافع سرمایه‌داران و استعمارگران را دنبال کرده است. سازمان برنامه و نفت هم سیاستی مشابه و هماهنگ با بینش فوق را پیروی می‌نمایند.

اگر این مواضع کلیدی در دست لیبرالها قرار گیرد، سیاست‌های گذشته را ادامه خواهند داد. وزارت خارجه همچنان تلاش خواهد کرد تا تضادها با امپریالیست ها حل شود، گروهانها آزاد و راه ورود کالاهای کشورهای استعماری باز و صنعت مونتاژ و اقتصاد وابسته حمایت و تصویب گردد، سعی خواهد کرد حمایت از جنبش- های آزادیبخش از حد شعار و حرف تجاوز نکند، همکاری و رابطه با دولت‌های بجای رابطه با ملت‌ها و دول ضد استعمار مینا قرار گیرد. لیبرالها همراهی با دولتی نظیر پاکستان را بر رابطه و دوستی با دولتی نظیر لیبی ترجیح میدهند. لیبرالها از صدور انقلاب جلوگیری خواهند کرد و با منافع امپریالیسم در سطح جهانی کار نخواهند داشت. آنان بر اساس روش ساختن باصطلاح توجیدی و ابداعی خود با شیطان بزرگ هم به وحدت خواهند رسید.

تسلط لیبرالها بر سازمان برنامه سبب میشود که برنامه‌ریزی اقتصادی کشور همچنان در جهت وابستگی ادامه یابد و سیاست صنعتی و بازرگانی را بر روال گذشته ادامه خواهد داد در صورتیکه انقلاب خواهان سیاست مستقل اقتصادی و

میدان گذاشت و دست در دست سرمایه - داران صهیونیست طرح نوی برای منطقه خاورمیانه عربی ریخت.

امپریالیسم آمریکا اقتصاد و هستی بسیاری از کشورهای عرب را منکی بر نفت ساخت و از این طریق بدون آنکه همچون گذشته با توب و نانک مستقیم سیراع ملت‌ها برود، اقتصاد آنان را بصورت زانده‌ای از اقتصاد سرمایه‌داری جهانی خوش درآورد.

در بسیاری از کشورهای عربی با حمایت همه‌جانبه از حکام و شیوخ وابسته و مزدور و مرتجع نیروهای نظامی و اطلاعاتی و جاسوسی را بخدمت گرفت و بقا و حیات این رژیم‌های بظاهر رهاشده از قیومیت امپریالیستی را حمایت نظامی و صدمردمی برد منکی ساخت.

با برپائی پایگاه نظامی صهیونیستی در قلب دنیای عرب، استراتژی ضدانقلابی و ضد توده‌های خود را در منطقه مستحکمتر نمود.

امپریالیسم آمریکا هم‌چون اسلاف انگلیسی - فرانسوی خود طرح پراکندگی اعراب و پاره‌پاره کردن آنها و برپائی مرزهای دروغین و ساختگی را شدت دنبال نمود و در حال حاضر نتیجه مستقیم این سیاست استعماری - امپریالیستی در فلسطین اشغال شده و اردن و لبنان بوضوح بچشم می‌خورد.

امپریالیسم در مرزهای ساختگی عربی گرایشهای تعصب‌گرایانه قومی و قبیله‌ای و محلی و نژادی و فرقه‌ای را دامن میزند تا بهر وسیله‌ای که شده، از تبلیغ آگاهی و اراده واحد توده‌های عرب در مقابله و رویارویی با خود مانع بعمل آورد.

با این حال آگاهی توده‌های عرب به ضرورت وحدت ضد امپریالیستی که از گذرهای بسیاری عبور نموده و تجربیات

عینی نهضت‌های رهائی بخش ملی و انقلاب الجزایر و انقلاب مسلحانه فلسطین را بدنیال دارد روز بروز شکوفا تر میگردد، تجربه‌های گذشته در مورد وحدت توده‌های عرب آموخته است که:

۱- وحدت‌همه‌ی مستضعفین و رزمندگان عرب ضرورت تاریخی، فرهنگی و اقتصادی منطقه‌ای و ملی است که الزاماً باید جوهر و خمیرمایه ضد امپریالیستی، ضد صهیونیستی در تار و پودهای این وحدت نقش بسته باشد.

۲- زمینه‌های عینی و ذهنی وحدت بر اساس ساختن کامل انگیزه‌های توده‌های عرب و ماهیت و هدفها و استراتژی امپریالیسم در منطقه و مرزبندی میان انقلاب و ضدانقلاب و استثمارگر و استثمار شده باید اساس وحدت ضد امپریالیستی نیروهای مردمی عرب قرار گیرد.

۳- انقلاب مسلحانه خلق قهرمان فلسطین، تنها نیلور اراده فلسطینی‌ها نیست که مظهر تحلی اراده همدی نیروهای انقلابی عربی است. و در هرگونه وحدت اصولی انقلاب فلسطین باید حضور داشته باشد.

۴- سرمایه‌داران و مرتجعین و مزدوران منطقه‌ای امپریالیسم جایی در وحدت توده‌های انقلابی عرب ندارند و وجود آنان سرنوشت اتحاد مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ را نداعی خواهد نمود.

۵- توده‌های میلیونی و انقلابی مسلمان ایران هرگونه وحدت ضد امپریالیستی و

ضد صهیونیستی را در منطقه ارج مینهند و هم‌چنانکه امام خمینی تاکید نموده‌اند، امریکا را دشمن اصلی همدی محرومین و مستضعفین جهان میدانند.

۶- مقطعی از زمان که ما در آن زندگی می‌کنیم، با سالیهای وحدت مصر و سوریه (۱۹۵۸) تفاوت فاحش و چشم‌گیری دارد. امپریالیسم امروز بمراتب جهانخوارتر و بیجیدتر و بهاجشی‌تر عمل می‌کند، برای رویارویی با آن به وحدتی از نوع سیخ و تشکل انقلابی همدی توده‌ها نیاز است و وحدتی که بیمان‌نامه آن بین رهبران اصفا شده و در میان توده‌ها جاری نشود کارساز نخواهد بود. ما در آرزوی چنین وحدتی هستیم و باید که وحدت میان دو کشور عربی سوریه و لیبی در این جهت حرکت نماید. در صورت تحقق چنین وحدتی با چنین شرایطی حبیبه جدیدی رویاروی امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه گنوده خواهد شد. هرچند بعضی از جریانهای سیاسی وابسته به لبرالها از هیچگونه اهمیت و افرا در شریات خود نسبت به کشورهای جوی لیبی دریغ نمی‌کنند و در صددت با این کشورها از هر فرصتی سود می‌جویند و بدروغ در آنچه که "میران" نامیده‌اند قذافی را منعم به کمک به سیحان وابسته به صهیونیسم می‌نمایند، اما اعتقاد ما بر آن است که حبیبه وحدت نیروهای انقلابی و منرقی در منطقه روز بروز فترده‌تر خواهد شد.

چهره‌خانگ زیده روستاهای سیستان (سه‌کوهه)

بقیه از صفحه ۵

رنگ‌بیده انجام داده‌است و همچنین ارفاق- هائی که از سوی مسئولین غیرانقلابی دولت و شوراهای محلی این منطقه و همچنین مسلح نمودن آنها در بلوچستان گرفت، در جنگال دادگاه انقلاب اسیر گشته است.

خواست بحق روستائیان زجر کشنده و خان گردیده این‌ده، اعدام بی‌وقفه این مزدور امپریالیسم می‌باشد. زیرا آزادگانشان و جوانین و فتواد الهادر منطقه، باعث شکل و توطئه هرچه بیشتر آنها علیه انقلاب اسلامی خواهد بود.

پردلی، در این ده حدود ۶۰۰۰ هکتار زمین زراعی داشت که هنگام آبیاری، برداشت محصول و جمع‌آوری آن و همچنین لایروبی نهرها، روستائیان را به بردگی می‌گرفت. او که خواهان استثمار هرچه بیشتر روستائیان بود، با انواع کارکنی و صحنه سازی، مانع از ایجاد حمام و عسالخانه و مدرسه در این ده بود و همچنین از تحصیل جوانان ده در شهرهای بزرگ‌شهرت مانع می‌وزید. روستائیان می‌گویند: "مادونه دانشم، یکی شاه معدوم و دیگری پردلی. ما اینجا پردلی را می‌دیدیم که به ما ظم می‌کند و شاه به اندازه او برای ما ظم نمی‌کرد."

در جریان انقلاب و بعد از پیروزی ۲۲ بهمن شروع تظاهرات صدخان، کدبوسله جوانان مسلمان و پرشور این دیار تربیب داده می‌شد از آغاز حرکتی خیر می‌داد که سختی و محرومیت ناشی از تسلط جوانین، جوهر آن بود. شعار مرگ بر شاه، مرگ بر پردلی زینت



بخش دیوارها گشت. خروش روستائیان عمور، علیه ابراهیم خان پردلی، دیوارهای برج اورا به لرزه درآورد؛ پردلی را باید کشت، چه با تفنگ چه با دست.

زمینهای بدست مردم و جوانان ده تقسیم شد. اما سیاست دولتمردان و مسئولین کد، جهت تقویت و رشد این زالوهای خون آتام اعمال می‌شد، باعث دلبردی روستائیان می‌گردید.

اکنون نیز که نزدیک به دو سال از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، روستائیان خواهان اعمال سیاست قاطع و مشخصی در

الگوینده شورا

نمی‌دانیم باید به حساب روح پر برکت آیت‌الله طالقانی مدافع صمیمی شوراها بگذاریم یا آنکه مصداق "عدو شود سب خیر اگر خدا خواهد" تحقق یافته که رئیس جمهور مخالف سرسخت شوراها و مدافع حکومت مدیران و متخصصان و تمرکز قدرت در دست‌های دولت، اکنون طرفدار شوراها و خواهان حضور مردم در صحنه و توزیع قدرت در بین مردم شده است. در سخنرانی میدان شهدا و بهشت زهرا پیش از هرچیز به حضور مردم در صحنه و ضرورت دادن حاکمیت مردم و اهمیت شوراها بهاداده شد. چه عاملی سبب شده است تغییر یکصد هشتاد درجه‌ای در بینش وی حاصل شود؟ اصولاً لیبرالیسم

رئیس جمهور مخالف سرسخت شوراها و مدافع حکومت مدیران و متخصصان و تمرکز قدرت در دست‌های دولت اکنون طرفدار شوراها و خواهان حضور مردم در صحنه و توزیع قدرت در بین مردم شده است!

نمی‌تواند با نظام شوراها که حاکمیت را به توده‌های مردم دهد موافق باشد. لیبرالیسم و سرمایه‌داری به مدیران و متخصصانی که برای خدمت به نظام سرمایه‌داری تربیت شده‌اند، تکیه می‌کند. فراموش نگردیم که وزیران دولت موقت و دیگر دولتمردان لیبرال و بعد هم رئیس‌جمهور با چه شدتی علیه شوراها سخن گفتند و روی "حاکمیت دولت" همیشه تاکید داشتند. آیا این تغییری است در بینش لیبرالها یا یک موضع‌گیری مصلحت‌گرایانه است؟ با توجه به جنگ علنی که در روزهای اخیر بین دو خط درگرفته است و با توجه به اینکه دولت و مجلس و نهادهای انقلاب از حمایت لیبرالها سرباز می‌زنند، قابل توجیه است که چرا رئیس‌جمهور برای ساختن و بسیج افکار عمومی علیه مخالفان سیاسی خود و برای بدست آوردن پایگاه از شورا و حضور مردم در صحنه و توزیع قدرت دم‌میزند. شاید هم این یک تغییر واقعی باشد! در بینش اسلامی هرگز امکان تغییر خصلت‌های فرد نفی نمی‌شود. انسان مستعد تحول است، حتی فرعون هم در آخرین لحظات که چندگاهی پیش تا مرگ فاصله نداشت، به خود آمد و تغییر جهت داد. چرا یدین باشیم، شاید رئیس‌جمهور هم تغییر موضع داده باشد. امیدواریم چنین باشد!

با تجهیز و تقویت سپاه پاسداران، جبهه انقلاب را در برابر ضربات دشمن مصنوعیت بخشید

امت

سخنی با خواهران و برادران هوادار جنبش مسلمانان مبارز

بند از صحت‌نگ

بهرین خوراک تبلیغاتی برای دهن بوده و هستند. ثانوی زمانداران و دولتمردان از رهبری انقلاب و روسای غیرمکتبی و غیرانقلابی و کج‌روییهای آشکار آنان خط انقلاب و خط امام را آسیدند ساخته است. صریحاً باید گفت که هر صریح بر این خط در شرایط کنونی صریح بر انقلاب حاصل آن بود امیرالایم است. بهمن جهت شما خواهران و برادران در چند جنبه باید مبارزه کنید و همین امر کار شما را دوار و متولسان را سنگین و حساس می‌کند. قطب‌بندی جامعه توسط جریان‌های غیراصولی، کار مبارزه مکتبی و اصولی را دوار می‌کند. بیوسن یکی از قطب‌های درگیر ساده‌ترین کار است اما ادامه مبارزه اصولی و مکتبی نیاز به توان و ظرفیت انقلابی، ذهن سنجیده و ایمان مکتبی و استقامت و شکر دارد. شرایط سیاسی موجود وظیفه ما را در دفاع از خط انقلاب و از خط سازش‌ناپذیر امام خمینی در برابر جریان‌های سازشکار و خمینی‌نما فوری‌تر می‌کند.

به ایسو و گاهی به آسو کشیده می‌شود. و بی آنکه ساخت مستقیم و واقعی از جنسی داشته باشند، فضاوت‌های دیگران را تکرار می‌نمایند. حتی از این افراد ساده و صادق بگناه به حرکت جریان‌ها مانده در حلقه و نه‌پاجام بدفایر و مراکز کار شما شرکت می‌جویند.

روشن ما در برخورد با این افراد است که با هر وسیله ممکن، تماس دوستانه و بحث و توضیح، شیوات را از ذهنشان روده، واقعیت مواضع فکری و سیاسی جنبش را برایشان روشن کنیم. شما همانند گذشته از هر نوع درگیری خصمانه و خون‌آمر با این افراد ساده و صادق که هوادار گروه‌ها و سازمان‌ها و ناگشده‌نده بدنیال‌جریان‌ها مختلف هستند، اجتناب خواهید کرد. افرادی از کسبه‌ها و سیاه‌پاداران که در بعضی نقاط به خلاف خط می‌آیند و نهاد و مصلحت انقلاب در ایجاد تضییقات برای شما و دفاتر جنبش‌ترک حسنه یا از کسانی که دفاتر را می‌بورد حلقه قرار می‌دهند، حمایت می‌نمایند، جزء دسته اخیراند و باید آنها را با وظایف انقلابی و مکتبی که هر بومین باسلام و انقلاب دارد آشنا سازیم و نتایج زیانبار اینگونه اقدامات و مواضع‌گیرها را برایشان باز کنیم. در همه‌حال تشخیص و تعیین هويت و انضای چهره و ماهیت محرکین اصلی و گردانندگان این نوع حملات تبلیغاتی غیراصولی و با حلقه و نه‌پاجام به دفاتر وظیفه هر عضو یا هوادار جنبش است. پاسخ ما به این افراد در وهله اول یادآوری وظایف قانونی‌شان و حقوقی است که قانون اساسی به همه مردم ایران اعطا کرده و در وهله دوم، معرفی محرکین به مقامات قضائی کشور و تعقیب آنان از مسیر قانون می‌باشد.

* * *

خواهران و برادران مبارز

شما خواهران و برادران وظیفه دارید:

- ۱- توطئه‌های نظامی - سیاسی و تبلیغاتی امیرالایم را علیه خط انقلاب برای مردم روشن کنید.
- ۲- از نهادهای انقلابی و وفاداران به خط انقلاب حمایت کرده، توطئه و خط‌انحرافی سازشکاران و مرتجعین را افشاء نمائید. فراموش نکنید که ارجاع

مردم را از حساسیت موقع بخوبی آگاهید. بوعیت یاریک و حساس انقلاب را درک می‌کنید و میدانید که سرنوشت انقلاب و مکتب به هوشیاری و اقدام و عمل درست ملت مبارز و مسلمان ما وابسته است. شما خوبی درک می‌کنید که ضعف‌ها و نارسایی‌های انقلاب و حاکمیت غیرمکتبی و غیرانقلابی آن چه مشکلات و حتی خط‌راهی بدید آورده است. بین از سی سال پیش‌توانه مبارزه مکتبی - سیاسی علیرغم نوبت بودن تشکیلاتی جنبش مسلمانان مبارز را از چنان توان سیاسی و فکری برخوردار کرده بود که از پیش نقاط ضعف و قوت انقلاب را تشخیص دهد و سرچشمه‌های خطر را بازشناسد و آینده را پیش‌بینی کرده، از آن میان وظایف یک مسلمان مکتبی را تعیین کند. تجربیات دو سال گذشته صحت آن تحلیل‌ها و مشی اصولی جنبش را ثابت کرد و ما علیرغم خطاهای موضعی در میان آنهمه جریان‌ات متضاد و محیط پراهم از خط‌انقلاب منحرف نشدیم.

مردم را از حساسیت موقع بخوبی آگاهید. بوعیت یاریک و حساس انقلاب را درک می‌کنید و میدانید که سرنوشت انقلاب و مکتب به هوشیاری و اقدام و عمل درست ملت مبارز و مسلمان ما وابسته است. شما خوبی درک می‌کنید که ضعف‌ها و نارسایی‌های انقلاب و حاکمیت غیرمکتبی و غیرانقلابی آن چه مشکلات و حتی خط‌راهی بدید آورده است. بین از سی سال پیش‌توانه مبارزه مکتبی - سیاسی علیرغم نوبت بودن تشکیلاتی جنبش مسلمانان مبارز را از چنان توان سیاسی و فکری برخوردار کرده بود که از پیش نقاط ضعف و قوت انقلاب را تشخیص دهد و سرچشمه‌های خطر را بازشناسد و آینده را پیش‌بینی کرده، از آن میان وظایف یک مسلمان مکتبی را تعیین کند. تجربیات دو سال گذشته صحت آن تحلیل‌ها و مشی اصولی جنبش را ثابت کرد و ما علیرغم خطاهای موضعی در میان آنهمه جریان‌ات متضاد و محیط پراهم از خط‌انقلاب منحرف نشدیم.

مرتجعین و تنگ‌نظران فکری و قشویون مذهبی و نیز عملکرده جناح‌های هیئت حاکمه از بعد از پیروزی انقلاب منبع بهترین خوراک تبلیغاتی برای دشمن بوده و هستند

قدم به قدم شکل خود را علیه خط امام و منظور خنثی کردن دستاوردهای انقلاب در سراسر کشور محکم می‌کند و سعی می‌کند زمینه‌های رهایی خود را بر انقلاب آماده و مساعد سازد و برای این منظور در مطع کونی آماده است با لیبیرالها علیه خط امام متحد شود و آنرا حمایت کند.

۳- خودسازی انقلابی - مکتبی را به عنوان ضروری‌ترین وظیفه خود تلقی کرده صفوف خود را فترده و وحدت استراتژیک و سازمانی خود را مستحکم‌تر سازید.

۴- دفاع از مکتب اصیل اسلامی در برابر جریان‌های انحرافی به راست یا به چپ و تبلیغ و آموزش اصول اسلام راستین یک وظیفه عمده دیگر هر عضو یا هوادار جنبش مسلمانان مبارز است.

۵- مبارزه با تهاجم التقاطی بودن را که ارتجاع و سرمایه‌داری به دروغ بر ما بسته است و بسیاری ناآگاهان ندانسته و نشناخته تکرار می‌کنند از صفحه ذهن مردم پاک کنیم و با معرفی صریح و واضح خط مشی سیاسی جنبش به مردم نشان دهیم که مناقق واقعی چه کسانی هستند.

۵- لازمه وصول به اهداف فوق، کار شبانه‌روزی در آموزش مکتب - خودسازی، حضور در صحنه عمل سیاسی و تماس دائمی با مردم و شرکت فعال در هر اقدامی و نهادی که در جهت منافع انقلاب مردم است. فراموش نکنید که مبارزه و تشکل و خودسازی و آموزش شما نباید از مردم و کار در میان مردم جدا باشد. مبارزه ما یک مبارزه درازمدت مکتبی است و ست انبیا و برجسته‌تر از همه رسول اکرم با همه چیز می‌دهد که در یک جنبش مبارزه‌ای همه یاد را ضمن کار و مبارزه در میان مردم بدست می‌آوریم. اگر به سلاح ایمان و تقوی و آگاهی مجهز نشویم، اگر بیبوند ما با مردم عمیق نباشد و اگر مردم، اگر مستضعفان بار مسئولیت مبارزه را بدوش نگیرند، انقلاب مکتبی تحقق نخواهد یافت.

دست‌های شما را می‌فشارم و بیامردی شما را می‌سازیم و برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم.

غلط‌دهاند و مصالحان با مصالح فعالیت‌های مکتبی و مشروع شما شده است. مراکز برای شما سنگر مبارزه مقدس مکتبی و بانگاه دفاع از انقلاب و انضای سانسهای انحرافی و سازشکارانه بوده و هست. سنگرهای مقدسی که شما با خون دل و با دست‌های خود و کار شبانه‌روزی بوجود آورده، از آنها پاسداری کنید و سنگرها - ثی که از آن دشمنان انقلاب و مکتب را سیراند.

ساست ما در برخورد با دسته‌های به‌گانه حقوق‌انخاد شیوه‌های اصولی، بحث و مبارزه فکری و سیاسی و به جنگ و جدال و حسوبت و سیر است. و اگر آنان هم مغفلاً همین شیوه را رعایت کنند، اختلافات در سینه‌ها و عقاید بدفقط به زبان انقلاب و مردم نخواهد بود که به عکس به روشی کردن حقایق و توسعه و تکامل حق کمک فراوان می‌کند. اشکال در روابط آنجاست که بعضی از این دستجات حقایق برخورد‌های اصولی روش‌های خصمانه بصورت فحش و ناسزا، برجسب و دروغ‌زنی و با تحریک مردم به حلقه و نه‌پاجام به دفاتر و هواداران پیش می‌گیرند.

اما دسته چهارمی هم هستند که بر شما خرده می‌گیرند و تعدادشان هم اندک نیست. اینان مردمی هستند که شناخت درست و کاملی از اصول فکری و مشی سیاسی جنبش ندارند و تحت تاثیر تبلیغات و تلقینات دسجات سه‌گانه فوق و با انگشت گذاشتن روی بعضی ضعف‌ها و موضع‌گیریهای مقطعی، بکلی منکر اصالت کار شما می‌شوند و ما را منحرف دانسته با دستجات فوق هم‌اواز می‌شوند و عیناً همان اتهامات و برجسب‌ها را تکرار می‌نمایند. این دسته بوده صادق هواداران دستجات فوق و مردمی هستند که در این میان گاهی

حتی ضرب و ستم قرار گیرید. در بنگاه اخیر حملات کسترده‌ای منوجه دفاتر و مراکز فعالیت‌های مکتبی و مشروع شما شده است. مراکز برای شما سنگر مبارزه مقدس مکتبی و بانگاه دفاع از انقلاب و انضای سانسهای انحرافی و سازشکارانه بوده و هست. سنگرهای مقدسی که شما با خون دل و با دست‌های خود و کار شبانه‌روزی بوجود آورده، از آنها پاسداری کنید و سنگرها - ثی که از آن دشمنان انقلاب و مکتب را سیراند.

ساست ما در برخورد با دسته‌های به‌گانه حقوق‌انخاد شیوه‌های اصولی، بحث و مبارزه فکری و سیاسی و به جنگ و جدال و حسوبت و سیر است. و اگر آنان هم مغفلاً همین شیوه را رعایت کنند، اختلافات در سینه‌ها و عقاید بدفقط به زبان انقلاب و مردم نخواهد بود که به عکس به روشی کردن حقایق و توسعه و تکامل حق کمک فراوان می‌کند. اشکال در روابط آنجاست که بعضی از این دستجات حقایق برخورد‌های اصولی روش‌های خصمانه بصورت فحش و ناسزا، برجسب و دروغ‌زنی و با تحریک مردم به حلقه و نه‌پاجام به دفاتر و هواداران پیش می‌گیرند.

مورد حمله قرار داد. از امکانات آن برای دفاع از حقوق محرومان و مستضعفان و رسوا ساختن سرمایه‌داران و دزدان بیت‌النال و غارتگران تروتهای عمومی و استعمارکنندگان کارگران و دهقانان سود می‌جستند. برای ما غیرعادی و غیرمنطقی نیست اگر می‌بینیم خط‌اصیل مبارزه مکتبی شما از هر سو مورد حمله است.

بگذریم که به راست غلط‌دهاند و مناقشان با منافع سرمایه‌داران و مالکان و فتودالها و با سازشکاران و مرتجعین گره خورده است، شما را به نفاق و صدیت با اسلام و امام منم می‌سازند و حتی از اینکه کورنیت و مارکسیست بخوانند ابائی ندارند. دسته دیگر نیز که از لحاظ سیاسی مکتبی از صراط مستقیم به انحراف

خواهران و برادران: شما در زمره کسانی هستید که در یکی از پیچیده‌ترین شرایط اجتماعی و هنگامی که ابرهای شبنه و برید، تزلزل و بی‌اعتمادی آسمان فضای سیاسی و مکتبی را بوسانده و امر تشخیص حق از باطل سخت دنیوار گردیده است، به نیروی ایمان و آگاهی اما نکتی بر اصول مکتب و با دیدن واقعیت، رسالت مکتبی و انقلابی خویش را در حمایت و مبارزه در خط فکری و سیاسی جنبش مسلمانان مبارز،

پیش از سی سال پشتوانه مبارزه مکتبی - سیاسی علیرغم نوبت بودن تشکیلاتی، جنبش مسلمانان مبارز را از چنان توان سیاسی و فکری برخوردار کرده بود که از پیش نقاط ضعف و قوت انقلاب را تشخیص دهد و سرچشمه‌های خطر را بازشناسد و آینده را پیش‌بینی کرده از آن میان وظایف یک مسلمان مکتبی را تعیین کند.

استوار و بزلزل باید بر به دوس می‌کنند، در شرایطی که اینجا و آنجا باطل لباس حق پوشیده و برین حق در ذهن بسیاری از مردم لباس باطل بوسانده‌اند، شما وظیفه دانستاید تا حقیقت را مدافع باشید و هر انحراف و کجی را از جانب هر کس و هر گروه که باشد، افشاء و محکوم نمائید. اصرار و ایاداری شما در پاسداری از اصول مکتب و دستاوردهای انقلاب سراسر خون و شهادت مردم مسلمان ایران و برهیز از هر نوع سازشکاری یا مصلحت‌گرایی و استقامت در حرکت ادامه مبارزه در صراط مستقیم سبب شده است که از جانب جریان‌هایی که مریب به درج‌های به جانب چپ یا راست خط مستقیم مکتب و انقلاب گرایش و انحراف داشته‌اند، مورد طعن و حملات تبلیغاتی و

دوسند از اسناد روا بطگسترده ساواک

با اسرائیل

جهان‌خوار آمریکا بود ولی از انتشار اسناد حناپاشن جلوگیری نمود؟
آیا میتوان مدعی مخالفت با اسرائیل بود ولی کوچکترین اقدامی در رابطه با افشاء توطئه‌های آن کشور انجام نداد؟

بدمیرکل اداره یکم ۱۱۱

شماره تاریخ ۵۴/۶/۲۶

از حوزه تیمسار ریاست ساواک

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

پیوست ...

س.ا.و.ا.ک

(اداره بیمنها)

درباره ماموریت خارج از کشور

بفرموده تیمسار ریاست معظم ساواک مقرر است کارمندان مشروحه زیر از تاریخ ۲۷ مهرماه ۵۴ بمدت یک‌هفته جهت انجام ماموریت بکشور اسرائیل اعزام گردند، منتهی است مقرر فرمایند در اجرای اوامر صادره اقدام لازم معمول و نتیجه باین حوزه منعکس گردد. ضمناً کارمندان اعزامی در مدت ماموریت مهمان سرویس میزبان خواهند بود.

- ۱- آقای محمدتقی کردانی
- ۲- آقای محمدتقی کیکا
- ۳- آقای محمدحسین علی اصغری
- ۴- آقای امیر خلیجی
- ۵- آقای مهدی وارسته
- ۶- آقای ایرج رویا

حوزه تیمسار ریاست ساواک - محیط

کنفرانس با مقام خارجی

بفرموده مقرر گردیده کارمندان مشروحه



وحدت در خط انقلاب ضامن تداوم و استمرار انقلاب است

مباحث ایدئولوژیک
دکتر حبیب‌الله پیمان

مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۱

جستجوهای فکری انسان در آغاز محدود به این نوع تفکرات (از نوع جهان بینی) نبود، بلکه نتایج تجربیات عملی و مشاهدات عینی را هم در بر می‌گرفت. اطلاعاتی که معمولاً انسان از مطالعه و مشاهده عینی پدیده‌ها بدست می‌آورد، با آگاهیها و تلقی‌های دسته اول مزوج می‌گردید. گاهی با جادوگر قبيله هم در

درست است که جهان‌بینی توحیدی خاستگاه طبقاتی ندارد، لکن در مبارزه بین مستکبرین و مستضعفان - بدلیل ماهیت فکری خویش - بیطرف نبوده، جهت‌گیری طبقاتی داشته، به سود مستضعفان و برضد استکبار و ستمگری و استثمار حرف می‌زند.

باره خواص عملی گیاهان و مواد مختلف در درمان بیماری‌ها یا آثار سمی و کشنده سموم و هم از تاریخ و حوادث گذشته و اصل و نسب قبيله و جنگها و رویدادهای تاریخی و هم از وضع سایر قبایل و سرزمینهای مجاور دور یا نزدیک اطلاعاتی داشت و هم خدایان و ارواح را می‌ساخت و به کلیه مسائل مذهبی و جهان‌بینی مردم پاسخ می‌گفت. در حقیقت جادوگر دانشمند و فیلسوف و پیشوای مذهبی جامعه خود بود. بعدها این نقش را فلاسفه برعهده گرفتند، از آنان که مردمی دوستدار دانش بودند، از همه رشته‌های معرفت آگاهی داشتند، هم با علوم تجربی و فنون آشنا بودند و هم مسائل فلسفی و مذهبی را می‌دانستند. بعدها علوم تجربی از فلسفه جدا شدند. این تفکرات - مذهبی یا فلسفی - نتیجه کار خلاق ذهن افراد در جامعه بوده است و به همین دلیل دقیقاً تحت تاثیر شرایط اجتماعی قرار داشته‌اند. معمولاً مطلع‌ترین افراد هر جامعه در این زمینه‌ها تلاش می‌کردند. به عبارت دیگر روشنفکران جامعه به امور علمی و فلسفی و مذهبی می‌پرداختند.

در جوامع طبقاتی که جامعه در وهله اول به دو طبقه اصلی حاکم و محکوم و یا مستکبر و مستضعف تقسیم می‌شود: امکانات یادگیری و دانش‌اندوزی منحصر در اختیار افراد طبقه مستکبر و وابستگان به آنهاست و محرومان هرگز فرصت و امکان کسب علم و فلسفه و آموختن دین و مذهب بدست نمی‌آوردند، از این رو این طبقه نمی‌توانند روشنفکران و دانشمندان از میان خود پدید آورند که بتوانند تئوری فکری و علمی و یا فلسفی خلق کنند. در این جوامع فرهنگ که مجموعه دستاوردهای فکری و تجربی انسان است، توسط افراد آگاهی‌تدوین و تنظیم می‌شود. شک نیست که تجربیات عظیم توده‌ها در کار روی طبیعت و در حل مشکلات زندگی و در تلاش برای رفع نیازها و مبارزه با موانع و دشواریها، منبع اساسی خلق عناصر فرهنگی است، لکن باز هم روشنفکرانند که این منابع را می‌کاوند و نتایج و دستاوردها را تنظیم و تدوین کرده، بصورتی قابل انتقال در شکل علم و هنر، ادبیات، اختراعات و نوشته و سطر و نقاشی و معماری و... در می‌آورند و باقی می‌گذارند. دانایان هر قوم کسانی هستند که فرصت مطالعه و تحقیق و تدریس و تنظیم مطالب و تفکر و تعمق داشته‌اند و این فرصت هرگز در اختیار بردگان، رعایا و مزدوران نیست که ناچارند تمام روز برای لقمه‌ای نام جهت زنده ماندن و سیر کردن شکم خود و زن و فرزند در سخت‌ترین شرایط کار کنند و چند ساعت باقیمانده روز را برای تجدید قوا استراحت نمایند. این فرصت تنها برای کسانی میسر است که مجبور نیستند تمام وقت برای زنده ماندن کار کنند، بلکه احتیاجات مادی آنان توسط دیگران تهیه می‌شود. چه کسانی جز افراد طبقه حاکم - دارای قدرت و ثروت - یا وابستگان به این طبقات دارای چنین موقعیتی می‌باشند.

اعضای خانواده‌های طبقات حاکم که در ثروت و قدرت غرق‌اند، به دلیل دیگری شانس کمی برای شرکت در فعالیت‌های فکری و هنری و فلسفی دارند. دلایش آلوده شدن به فساد و لذت‌جویی و تفریح و تلاش دائمی برای افزودن بر میزان ثروت و دامنه قدرت و سلطه است. این افراد

حاکم پای‌بند و مومن‌اند، استثمار و ظلم و فقر و محرومیت را تحمل کرده، آنرا به عنوان یک امر محتوم یا طبیعی و خداداد تلقی می‌کنند، به همین جهت وادار کردن آنان به مبارزه برای از بین بردن نظام حاکم مستلزم آنستکه ابتدا جهان‌بینی آنان تغییر کند.

وقتی یک جهان‌بینی توحیدی و یا جهان‌بینی بشری که با فرهنگ و جهان‌بینی نظام حاکم مغایرت و تضاد دارد، در یک جامعه طبقاتی ظهور می‌کند، قاعدتاً با آن در ستیز و کشمکش قرار می‌گیرد. حال اگر قدرت تهاجمی جهان‌بینی تازه آنقدر باشد که حاکمیت سیاسی جهان‌بینی پیشین را بخطر بیندازد و قدرت را بطرفداران خود بدهد، در حقیقت یک انقلاب رخ داده است و تحول در مسیر سرنوشت انقلابات پیش خواهد رفت.

اگر نظام کهنه بهر صورت بتواند حاکمیت سیاسی را برای خود نگاه دارد، لکن جهان‌بینی آن در برابر جهان‌بینی جدید شکست بخورد، جهان‌بینی جدید را بعنوان طرزفکر رسمی پذیرفته آنرا عملاً در خدمت حاکمیت سیاسی - اجتماعی خود در می‌آورد. نمونه آن را در امپراطوری روم بعد از غلبه دین مسیحیت و پذیرفتن آن از جانب امپراطوران میتوان یافت. و نیز در حاکمیت بنی‌امیه و بنی‌عباس و مسخ تعالیم اسلام بصورتی که مناسب حاکمیت طبقاتی آنان گردد، گهگاه جهان‌بینی اصلی در کنار طرز فکر و دیدگاه رسمی شده و در تعارض دائمی با نمونه مسخ‌شده خود به حیات توأم با مبارزه و ستیز ادامه می‌دهد. نمونه‌اش جهان‌بینی اسلام در تشیع در کنار جهان‌بینی اسلام رسمی‌شده خلفا و سلاطین. در غیر این دو صورت یعنی اگر حاکمیت سیاسی در لایه جهان‌بینی پیشین ادامه یابد، جنگ و نزاع بین دو جهان‌بینی همچنان جریان می‌یابد تا اینکه نظام حاکم عقیده جدید را بگلی نابود و متوقف کند (با شیوه‌های سرکوب و استثمار). و یا عقیده جدید را تحریف و از محتوای اصلی آن تهی کرده، خنثی و عقیم کند بنحویکه خطری برای سیستم حاکم در بر نداشته باشد.

۳- جهان‌بینی توحیدی قبل از جهان‌بینی بشری

ممکن است ظواهر امر چنین وانمود کنند که بشر در آغاز بحال خود رها شده بود و لذا در جریان تجربه و عمل شناختی نسبت به جهان حاصل کرد و صاحب نوعی جهان‌بینی گردید، بعدها انبیا ظهور کردند و جهان‌بینی جدیدی معرفی و توحید را در برابر اندیشه‌های باطل تبلیغ نمودند، اما دلالی هست که نشان می‌دهد اندیشه‌های توحیدی همان قدر قدمت دارند که زندگی انسان. جابجائی بعداً رخ داده‌است و به کرات اتفاق افتاده، یعنی زمینه ذهنی بشر و شرایط اجتماعی اجازه دوام و تثبیت به اندیشه‌های توحیدی نمی‌داده است و لذا دیر یا زود جای خود را به افکار و تلقی‌های بشری می‌داده‌اند.

(۱) در کهن‌ترین آئین‌ها و عقاید

های آنان جهت‌گیری طبقاتی داشته، پایگاه طبقاتی پیدا می‌کنند و یا مستقیماً ممکن است خاستگاه طبقاتی مستکبرین داشته باشند. اما جهان‌بینی برخاسته از خاستگاه طبقاتی مستضعفان بدلیل گذشته یا نیست یا بسیار نادر است، اما جهان‌بینی‌های دارای جهت‌گیری و پایگاه طبقاتی مستضعفان بسیار است.

ماتی و مزدک و شخصیت‌های تاریخی نظیر ایندو کهن‌فشی برجسته در ارائه یک جهان‌بینی خاص داشتند، مستقیماً عضو هیچیک از دو طبقه تضاد اجتماعی نبودند بلکه افکار و اندیشه‌هاشان در خدمت طبقات قرار می‌گرفت. اما در این حقیقت تردید نیست که در ایداعات فکری خود مستقیماً از شرایط اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی جامعه متأثر بودند. به عبارت دیگر همه عناصر اولیه جهان‌بینی خود را از جامعه اخذ کردند. در مقابل، جهان‌بینی های الهی که مستقیماً از واقعیت مطلق و از جانب خدا به انبیا، وحی می‌شود، اولاً فاقد خاستگاه طبقاتی‌اند، ثانیاً عناصر متشکله خود را از شرایط اجتماعی - اقتصادی یا فرهنگی جامعه نگرفته‌اند، لکن باید دانست که این جهان‌بینی‌ها در قالب زبان و فرهنگ آن جامعه عرضه می‌شوند و پاسخگوی مسائل و نیازهای اجتماعی عصر خود هستند.

جهان‌بینی الهی مستقل از نزاع طبقات پدیدار می‌شود ولی چون بر فطرت

بیشترین افراد متفکر و روشنفکر، از میان قشرهایی برمی‌خیزند که جزو محرومان و مستضعفان نیستند و مستقیماً زیر استثمار و فقر و اسارت و بردگی قرار ندارند.

انسان و قوانین تکاملی حیات مبتنی هست با جهان‌بینی و احکام حاکم در جوامع طبقاتی در تضاد قرار می‌گیرد و به نفعی آن می‌پردازد و لذا عملاً در خدمت منافع و آزادی مستضعفان وارد عمل می‌شود. به عبارت دیگر درست است که جهان‌بینی توحیدی خاستگاه طبقاتی ندارد، لکن در مبارزه بین مستکبرین و مستضعفان بدلیل ماهیت فکری خویش بیطرف نبوده، جهت‌گیری طبقاتی داشته به سود مستضعفان و برضد استکبار و ستمگری و استثمار حرف می‌زند.

۴- سرنوشت جهان‌بینی‌ها در جوامع طبقاتی

در یک جامعه طبقاتی که گروهی ثروت و قدرت و سرمایه و ابزار کار و منابع طبیعی را در مالکیت خویش دارند و اکثریت مردم برده و مزدور و رعیت آنان هستند، همه نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بالطبع در جهت منافع و مصالح آن گروه عمل می‌کنند. سیستم حکومت، توزیع قدرت، مناسبات اقتصادی، آموزش و پرورش، هنر و فرهنگ و مذهب و فلسفه همه بشرطی امکان بقا و زندگی پیدا می‌کنند که

با منافع طبقات مستکبر تضاد و مخالفت نداشته باشند. دانشمندان و متفکرین، شعرا و نویسندگان، فلاسفه و روحانیون رسمی، معمولاً کارشان توجیه و دفاع فکری و فلسفی از نظام موجود و حاکمیت طبقه مستکبر است، آنان که مستقیماً از مزایای حکومت مستکبرین بهره‌مند هستند و یا در حکومت و ثروت با آنان شریک‌اند، هنر و استعداد و علم و مهارت خود را در خدمت طبقه اربابان می‌گذارند. مردم در این حکومتها ناچار از تبعیت از آن اندیشه‌ها و تعالیم هستند، و جهان‌بینی از طرف این نوع جهان‌بینی توده را بریان مصالح و سرنوشت خویش بکار می‌گیرد و به سکوت و اطاعت و تمکین از قدرتها وامی‌دارد. مستضعفان تا وقتی به جهان‌بینی طبقه

بعداً این قالب‌ها که ابتدا فقط وسیله‌ای برای درک بهتر و نگاهداری آن مفهوم در اندیشه بکار می‌رفتند، محتوای اصلی را از دست داده، بدون محتوا مورد پرستش قرار می‌گرفتند و یا محتوای مسخ و تحریف‌شده‌ای کسب می‌کردند.

از آنجا که تصور و درک اندیشه وجود الله به عنوان یک واقعیت مطلق، نامحدود غیرمحسوس و... برای این مردم دشوار است بعد از چندی این اندیشه را در بت‌ها و تظاهر مادی دیگر تجسم می‌بخشند یا این اشیا را واسطه‌ای برای درک آن قرار می‌دهند، و بدینوسیله کار ذهن را آسان می‌نمایند. اما پس از چندی نقش واسطه‌ای و (کاتالیزوری) بت‌ها فراموش می‌شود و خود اصالت پیدا می‌کنند و عملاً جای الله را می‌گیرند، چنانکه این تحول در بین عربها هم اتفاق افتاد و اندیشه پرستش الله خدای یگانه جای خود را به بت‌پرستی داد. در متفق قرآن حسب حال آگاهان قوم که زیر سوال کشیده می‌شود، که چگونه شما بت سنگی یا چوبی و ساخته دست خود را می‌پرستید در حالیکه پیشتر با یگانه پرستی توحید ابراهیمی آشنا بودید؟ چنین بیان شده‌است:

و یعبدون من دون الله مالا یضرهم ولا ینفعمون و یقولون هولاء سفواتنا عند الله یونس ۱۸: غیر خدا چیزهایی را عبادت می‌کنند که آنرا نه سود و نه زیان می‌رساند و می‌گویند اینان شیعیان ما نزد خدا هستند.

از این رو است که وقتی در کهن‌ترین فرهنگهای مذهبی با مفاهیمی نظیر روح روبرو می‌شویم، در اینکه آثاراً بلا مقدمه بشر خود ساخته و ابداع کرده باشد یا انتزاع ذهن بشر اولیه باشد، در تردید می‌افتیم. در هر یک از انواع ادیان بشری مفهوم روح بصورتی بکار رفته‌است. اعتقاد به ارواح خبیث یا مقدس و اعتقاد به اینکه اشیا و موجودات روح دارند، اعتقاد به باقی ماندن روح پس از مرگ و نظایر آن، همه وجود داشته‌است. با توجه به تأیید قوی ذهن ابتدایی انسان به محسوس کردن امور ذهنی و مجرد باید پذیرفت که این مفاهیم به بشر ارائه و تعلیم داده شده و از مسیر دیگری وارد فرهنگ و ادیان بشری شده‌است. این منبع و مسیر جزادیان و اندیشه‌های توحیدی نمی‌تواند باشد که از جانب خدا به افرادی برگزیده وحی می‌شده است. او آنها را به قوم خود تعلیم می‌دهد. است. اما پس از گذشت چندی که تعالیم الهی انبیا بدست فراموشی سپرده می‌شد و یا تحریف و مسخ می‌گردید و با ساخته‌های ذهن انسان مخلوط می‌گشت، بعضی عناصر بشری به حیات خود ادامه می‌داد. مفهوم و اعتقاد به روح را هم باید یکی از این مفاهیم و مقوله‌ها شمرد، بدیهی است در این تطور و انتقال، معانی اصلی خود را از دست می‌دهد و در هر جا و موقعیتی و در میان هر قومی احتمالاً به مفهوم و صورت خاصی بکار می‌رود.

(۲) چنانکه قرآن روایت می‌کند و منطقی نیز می‌باشد، هدایت الهی توسط انبیا با ظهور انسان بر روی زمین آغاز گردید. هنگامی که بشر با مرحله انسانیت گذاشت و قدرت آگاهی و آزادی و اختیار کسب کرد، نیازمند هدایت بود. چنانکه آدم این نمونه نخستین انسان‌ها بجمرد

مذهبی و اندیشه‌های بشری با مفاهیم مجرد و ذهنی نظیر روح روبرو می‌شویم، با توجه به این واقعیت که درک و انتزاع این نوع مفاهیم برای اذهان نیازموده و ابتدایی ممکن نیست، جستجوی منشا آن اهمیت دارد، ذهن بشر در این مرحله با امور محسوس و ملموس و مجسم بیشتر آشناست و این‌گونه امور را بهتر درک می‌کند، چنانکه برای کودک هم درک مفاهیم مجرد غیر ممکن است. مدتها تمرین و تجربه لازم دارد تا بتواند این نوع امور را درک کرده در ذهن نگاهدارد. بی‌دلیل نیست که غالب مردم بخصوص در گذشته قادر نبوده‌اند این نوع مفاهیم و تعالیم را برای مدتی طولانی بهمان صورت اولیه حفظ کنند بلکه در کوتاهترین مدت ناچار شده‌اند آنرا در قالب امور محسوس و ملموس و قابل مشاهده عینی درآوردند و

مقوله‌های اساسی مکتب

بقیه از صفحه ۸

اگر نظام کهنه بهر صورت بتواند حاکمیت سیاسی را برای خود نگاه دارد، لکن جهان‌بینی آن در برابر جهان‌بینی جدید شکست بخورد، جهان‌بینی جدید را بعنوان طرزفکر رسمی پذیرفته آنرا عملاً در خدمت حاکمیت سیاسی - اجتماعی خود درمی‌آورد.

یکی از میان‌انسانها برگزیده (آدم) / آن‌الله اصفی آدم و نوح و... و خطاهایش را به او یادآور شد و او را به راه درست زندگی و تکامل بسوی خدا هدایت کرد و از آن پس ضرورت بعثت انبیا و هدایت انسان سبب شد که هر چند وقت یکبار خداوند انسانی مستعد را برگزیند و توسط وی بشر را هدایت و راهنمایی کند. "فازلهما الشیطان عنهما فاخرجهما مما كانا - فیه و قلنا اهبطوا معکم لبعثن عدو" و لکم فی الارض مستقر و متاع الی حین - متعلق آدم رب کلمات کتاب علیه‌النه هوالنواب پس شیطان آنرا بلغزاند و از آنجا که در آن بودند، بیرونشان کرد و بدانشا گفتیم بیرون شوید در حالیکه بعضی دشمن بعضی دیگری. و در زمین برای شما جایگاه و متاعی برای مدتی مقرر، پس آدم از پروردگارش کلمات (هدایت و آگاهی) را دریافت کرد، پس بر آن توبه کرد و خدا توبه‌پذیر رحیم است، به آنها (همداستانها) گفتیم از آن هملی خارج شوید پس چون از

جانب من سوی شما هدایتی آید، هر کس از آن تبعیت کند، توبی برایشان نماند و محزون نگردند. این آیات حکایت از قدمت توحید دارند و اینکه انسان از نخستین ایام زندگی از هدایت الهی بهره‌مند بوده است و جهان‌بینی توحیدی در آغاز در اختیار انسان قرار داشته ولی نگاهداری آن برای انسان بهمان صورت اصیل اولیه دشوار و بلکه غیرممکن بوده است و لذا بلافاصله توسط ذهن بشر و تحت تاثیر تجربیات و شرایط اجتماعی دوباره‌سازی میشده است. حتی امروز هم اختلاف بین پیروان قرآن را در شیوه زندگی، در اخلاقیات و رفتار اجتماعی، در موضوعیهای فردی یا اجتماعی باید در رابطه با تفاوت دیدگاههای فلسفی و اختلاف در جهان‌بینی آنان تمییز کرد. جهان‌بینی دهقان مسلمان و تاجر و سرمایه‌دار مسلمان تفاوت آشکار دارد، در صورتیکه قرآن و توحید قرآنی یکی بیش نیست. در جهان‌بینی دهقان روزی وی از پیش مقدر است و در برابر تقدیر خود را دست بسته می‌بیند، اگر مزروعاتش در اثر کم‌بارانی نابود گشت، یا اگر فرزندش در اثر بیماری و عدم دسترسی به دارو و طبیب مرد، همه را بحساب خواست خدا می‌گذارد و کسی را در این میان مقصر و مسئول نمی‌شناسد. اما در جهان‌بینی تاجر و سرمایه‌دار، نوسانات بورس در موسسات بورس نیویورک و خیابان دال استریت لندن، یا سقوط ارزش دلار و مارکو یا ورشکستگی فلان کارخانه‌دار و شرکت بزرگ بین‌المللی، عامل و موثر در سود و زیان او بوده و هست. دهقان چشم بد آسمان می‌دوزد و ایرهارا در درویش‌های افق جستجو و استقبال می‌کند و سرانجام با خواندن دعا و نماز باران، ترحم یا محبت خدا را جلب می‌کند، و تاجر سرمایه‌دار با تقویت و توسعه شبکه اطلاعاتی و آگاه شدن سریع و بموقع از نوسانات قیمت‌ها و وضع بازار جهانی و با احتکار و پیش‌خرید و دهبا دوزولک دیگر، منفعت را بسوی خود جلب می‌نماید.

وحدت و تضاد در...

حاکمیت استعماری و استعماری خود بر این منطقه بسیار مهم سوق الجیشی و اقتصادی و نظامی و سیاسی که حلقه رابط میان استرالی و قاره آمریکا در (آسیا و آفریقا و اروپا) بوده و نفت خون جاری خلقهای این منطقه در شریانهای حیاتی امپریالیسم جاری است، استرالی ویژه و مستقلی دارد و جایگاه اسرائیل در این استرالی تا آنجا مورد نظر و پذیرفته می‌باشد که در این خط و بر اساس این استرالی حرکت نماید و بدون تردید آمریکا با امکانات و امتیازاتی که در رابطه با اسرائیل در منت خود دارد اسرائیل را مجبور به پذیرش حرکت در خط خود

موضوع و سیاستهای بعضی از کشورهای اروپایی دیده میشود، برای خلقهای منطقه از دو بعد و دیدگاه دارای اهمیت فوق - العاده میباشد.

الف - از بعد استحالته موضوع استرالیستیک امپریالیسم برای دستیابی هرچه بیشتر و بهتر بر منافع استعماری بر اساس معادلات جدید درونی و بیرونی حاکم بر جهان سرمایه‌داری که این بعد بسیار خطرناک و تهدیدکننده منافع و نهضت‌های خلقهایست و باید هرچه سریعتر این استحالته موضوع استرالیستیک افشا و استرالیستی مقابله با آن تدوین شود و در حال حاضر این بعد از استرالیستی تهدید و تهاجم و سلطه

خواهد ساخت، و ریشه‌های تضاد و تناقض در استرالیستی واحد امپریالیسم و صهیونیسم در ماهیت توسعه طلب و تجاوزکار و استثمارگر امپریالیسم برای تسلط هرچه بیشتر بر منطقه از یکسوی و ماهیت وابسته و غیراصیل اسرائیل با رویاهای صهیونیستی دیگر تناقض با استرالیستی امپریالیسم از سوی دیگر نهفته است.

۳ - در استرالیستی تهدید و تهاجم و سلطه استعماری و استعماری امپریالیسم در منطقه، عامل نفت، جلوگیری از اوج‌گیری نهضت‌ها و حرکت‌های مردمی و حمایت و پاسداری از حکام مرتجع و وابسته به امپریالیسم و در محاصره قرار دادن انقلاب فلسطین و ایران و دیگر نظام‌های ضد امپریالیستی منطقه جایگاه ویژه دارند و هر یک از حکومت‌های عربی و غیرعربی منطقه که در خط این استرالیستی حرکت کنند - مانند رژیم سادات خائن - استرالیستی عدول از محور "تنها اسرائیل" را تقویت و امریکا را امیدوارتر خواهد ساخت.

۴ - استرالیستی عدول از محور "تنها اسرائیل" با روند امریکائی - امپریالیستی خود که نشانه‌های بارز آن مخصوص در

هیلاذ حضرت رضا هشتمین پیشوای تشیع

آلود و جریک اجتماعی - اقتصادی، حکومتی ظاهری داشته‌اش خود و وابستگان و خاندانش چون گذشته بدون درد سر به غارت و جابول مردم و اموال بردارند، لذا عمده هدف ما - مون و قفل بن سهل در این بود که با به خلافت رسانیدن ظاهری امام سربوشتی بر اعمال خود گذارده و از طرفی موجب شوند تا کوچکترین ضرباتی به نظام دست ساخته خود و دیگر پیشینان مرتجع وارد نیاید، اما امام که نه فردی اصلاح طلب و نه مصلحت گرا بود چگونه می‌توانست به این پیشینهاد روی موافق نشان دهد در صورتیکه اگر واقعا "به خلافت نمی‌رسید، اولین گام را جهت تخریب نظام بوسیده اجتماعی - اقتصادی موجود برمی‌داشت نه تثبیت و تحکیم آن.

آیا امامی که ندای توحید سومی داد و وسعت دیدگانش جامعه‌ای برابر و بی‌طبقه بی تضاد و تفرقه را در دروستان، جستجو می‌نمود می‌توانست وارث حکومتی سراسر تضاد گردیده و قدیمی هم جهت نابودی آن برنماید؟

لذا ما - مون بلافاصله پس از عدم قبول این پیشینهاد، نقشه دوم خود یعنی پیشینهاد تقبل ولایت عهدی را به امام ارائه داشت که امام در زیر فشارهای شدید با همان هوشیاری خاص خود در این مقطع، با چنین شرطی حاضر به قبول آن گردید: "اگر ناچار باید این پیشینهاد را بپذیرم مشروط بر این امر است که در هیچ کاری از کارها از جمله حکومت، قضاوت، عزل و نصب و فتوی شرکت و دخالتی نداشته باشم. به عبارت دیگر نباید به نام من کارهایی صورت گیرد و اینطور وانمود شود که تصمیمات اجرا شده مورد نظارت من است."

امام در اینجا در جوابیه عهدنامه ماهون با صدور بیانیه‌ای به ستم‌های گذشته که نسبت به آل علی روا گردیده و به چگونگی حکومت ناخج زمامداران و نیز به زمینهای پیدایش فقر و محرومیت‌ها و عوامل ایجاد آن اشاره نمودند.

از جمله مطالب قابل ذکر در این دوران زندگی امام، نماز عید فطر در سال ۲۰۲ بود که ماهون از امام تقاضای برپایی نماز عید را نمود، اما امام در اینجا هم پاسخ منفی داد، که با اصرار بی‌گیر ماهون، امام اینچنین پاسخ گفت: "اگر اصرار داری که نماز عید را اقامه کنم، من همانطور عمل خواهم کرد که پیغمبر اسلام در این مورد عمل می‌کرد"، و سپس با لباسی ساده و با پای برهنه عازم صحرا برای اقامه نماز عید گردید که با استقبال و شور بی‌سابقه مردم مواجه شد و زمانی نگذشت که سیل عظیم جمعیت در پشت سر امام به حرکت درآمد که در اینجا ماهون و اطرافیان از حرکت امام و خطبه‌های روشنگرانهای که در نماز خوانده میشد و نیز از بیم زنده شدن و احیاء سنت‌های راستین پیامبر متوحش گردیده و امام را از نیمه راه بازگردانیدند.

در این ایام ماهون فعالیتتیه همجانبه برای جلوگیری از نشر فرهنگ انقلابی اسلام بوسیله امام اعمال میداشت و او را تحت کنترل شدید گرفته و به انواع گوناگون مانع از ایجاد تماس بین مردم و امام بود و در حقیقت امام را ممنوع‌الطلاق نموده بود. اما زمانی نگذشت که نقشه‌های شومی به جریان افتاد زیرا این هراس در بین اطرافیان ماهون بوجود آمد که در آینده خلافت از بنی عباس به آل علی منتقل خواهد شد و این برخلاف منافع بی حد و حصر آنان بوده، این اضطراب درونی که پیوسته دنیا‌داران را به هول می‌افکند، آنان را بر آن داشت تا به توطئه نابودی امام دست زنند. به این ترتیب عمال دستگاه با مسموم کردن امام، بزرگترین مانع را از سر راه آمال شوم و برطمطراق خویش برداشتند. اما با این تصور پوچ و پوچه که جریان بیدار ساز و همیشد رخروش مکتب توحید، با از میان برداشتن تکاسوها، از میان خواهد رفت، ولی هیچگاه و در هیچ کجا این چنین نخواهد بود، حتی اگر همه سلاله توحید و رهروان راه آنان را مسموم کرده و یا از دم تیغ بگذرانند.

ایدئولوژی ناب اسلام با عبور از تنگناهای متعدد پرزنگار و پرغبار که بر سر راهش قرار داده بودند، هنوز با برجاست و جاری و از این پس نیز اگر چه با اینگونه موانع برخورد نماید، که خواهد نمود، مسیر نجات بخشی را که می‌باید طی کند، طی خواهد کرد.

بساط خلافت خودش وارگون کرد. آری همواره ترس و بیم ارتجاع و اسناد از آگاهی و بیداری جماعت است.

امین فرزند بزرگتر هارون که بعنوان جانشین اول از طرفی معین شده بود، پس از مرگ هارون، در پی موروثی کردن و به انحصار درآوردن خلافت برای خاندان خود برآمد و سعی داشت پس از خود، برادر دیگرش یعنی مامون را که اینک والی خراسان بود، از خلافت محروم سازد، که بر سر این انحصارطلبی مضاعف امین، بین ایندو درگیری و کشمکش بوجود آمد که منجر به کشته شدن امین و به خلافت رسیدن مامون گردید.

با این اوصاف و تحت این شرایط حاد، طاقت‌فرساترین وظیفه امامان تشیع، احیاء و ترویج اسلام ناب در میان قلمرو منحصر و سنی اسلام اموی و عباسی بود که این رسالت در این مقطع زمانی بعهدده حضرت رضا نهاده شد. حضرت رضا که در سی و پنجمین سال حیات خویش به امامت رسید، دوران امامت ۲۰ ساله‌اش به سه بخش مشخص تقسیم می‌گردد:

- ۱ - ده سال اول که در زمان هارون سپری گردید.
 - ۲ - پنج سال بعد در دوره خلافت امین.
 - ۳ - سه تا پنج سال آخر که مصادف با خلافت مامون بود.
- که امام در هر دوره وظایف متناسب خویش را به انجام رسانید بویژه در فرصت سه ساله آخر عمر که در نهایت تلاش برای بیدار سازی مردم و دادن رهنمود و معیار به آنان سپری شد.

مخالف با خود برآمده و با توسل به سبوه‌های گوناگون که نمی‌تواند بدون تسک و بهره‌جویی از زور و استبداد باشد، به پاکسازی سایر اندیشه‌ها و خطوط می‌پردازد اما قدرت‌مداران مستند همواره عاجز از درک این واقعیتند که هرچه حلقه فشار خویش را بر جریانهای مخالف تنگتر نمایند آن جریانها انجام بیشتری یافته و به حرکت خویش ادامه می‌دهد، چنانچه ایدئولوژی ناب اسلام با عبور از تنگنای مستعد و بی‌دربی و پر زنگار و غبار، که بر سر راهش قرار داده بودند، هنوز با برجاست و جاری. و از این پس نیز اگر چه با اینگونه موانع برخورد نماید، که خواهد نمود، مسیر نجات بخشی را که میباید طی کند، طی خواهد کرد.

خلافت نامه حق امویان که پس از علی، ادامه حکومت اسلام!! را عهده‌دار گردید و پیروی از ایدئولوژی وابسته به طبقات خویش در پی مبارزه فکری و عملی با ایدئولوژی توحیدی و ضد شرک و طبقات اسلام برآمد، و خلفای این خاندان در دوران خلافت چندین ساله بر پیکر اسلام بگفتن علی پوستینی وارونه برگردند، پوستینی که محتوی اسلام را نفی و شکل و قالب آنرا پاسداری می‌داد. درون پوسیده و پایه‌های سست و متزلزل بنی‌امیه، موجب سقوط آن روی کار آمدن عباسیان گردید، که در اینجاست ظلم و استبداد بنی‌عباس تکمیل‌کننده دیکتاتوری بنی‌امیه گردیده و مردم مستعبد در این میان، استبدادی را از پی استبدادی دیگر تجربه می‌نمودند. ایندو طبایفه که قادر نبودند داده‌های توحیدی پیامبر و خاندانش را که در اذهان تازه‌بیدار شده توده‌ها ریشه دوانیده بود، بیگانه خنثی و بی‌اثر نمایند، در پی زوال و اضمحلال تدریجی آن برآمدند و به این ترتیب بیشترین ضرباتی که پس از پیامبر بر پیکر مکتب وارد آمد، در ایندو دوره مشخص انجام گرفت. مکتب و اندیشه توحیدی و رهائی‌دهنده، سالیان دراز در پس دیوارهای بلند و قطور و خاری مسخ و تحریف گرفتار آمد و در ایندوران هرگونه ستم و جور و فاصله افتادن میان طبقات و شکاف بین اجتماع به نام اسلام انجام می‌گرفت. اینک اسلام در سیری دیگر افتاده بود، ایدئولوژی آزادی‌بخش در خدمت منافع در بندکنندگان آزادی و آزاد زیستن.

با به خلافت رسیدن هارون الرشید عباسی، مجازاتها و فشارهایی که بر هواداران آل علی و تشیع اعمال می‌گردید شدت بیشتری به خود گرفت، در اینزمان ولایت و حاکم حکم گرفته از هارون، صاحب اختیاراتی وسیع گردیده بودند، سعی داشتند همان خودکامگی‌ها و انحصار - طلبی‌هایی که در گذشته در لباس ریاست قبلیه و عشیره اعمال می‌نمودند، در پوششی تازه ادامه دهند.

هارون به کمک والیان خویش، امام برحق وقت، حضرت موسی کاظم را به شدت زیر نظر گرفت و امام دوران عمده حیات خویش را در زندانها و شکنجه‌گاههای هارون گذرانید، زیرا حکومت بیم آن داشت که در اثر تماس امام با مردم، چهره کریه و ماهیت ضد مردمیش عیان شده و

آیا امام که ندای توحید سومی داد و وسعت دیدگانش جامعه‌ای برابر و بی‌طبقه، بی تضاد و تفرقه را در دروستان جستجو می‌نمود می‌توانست وارث حکومتی سراسر تضاد گردیده و قدیمی هم جهت نابودی آن برنماید؟

مخالف با خود برآمده و با توسل به سبوه‌های گوناگون که نمی‌تواند بدون تسک و بهره‌جویی از زور و استبداد باشد، به پاکسازی سایر اندیشه‌ها و خطوط می‌پردازد اما قدرت‌مداران مستند همواره عاجز از درک این واقعیتند که هرچه حلقه فشار خویش را بر جریانهای مخالف تنگتر نمایند آن جریانها انجام بیشتری یافته و به حرکت خویش ادامه می‌دهد، چنانچه ایدئولوژی ناب اسلام با عبور از تنگنای مستعد و بی‌دربی و پر زنگار و غبار، که بر سر راهش قرار داده بودند، هنوز با برجاست و جاری. و از این پس نیز اگر چه با اینگونه موانع برخورد نماید، که خواهد نمود، مسیر نجات بخشی را که میباید طی کند، طی خواهد کرد.

خلافت نامه حق امویان که پس از علی، ادامه حکومت اسلام!! را عهده‌دار گردید

موضوع و سیاستهای بعضی از کشورهای اروپایی دیده میشود، برای خلقهای منطقه از دو بعد و دیدگاه دارای اهمیت فوق - العاده میباشد.

الف - از بعد استحالته موضوع استرالیستیک امپریالیسم برای دستیابی هرچه بیشتر و بهتر بر منافع استعماری بر اساس معادلات جدید درونی و بیرونی حاکم بر جهان سرمایه‌داری که این بعد بسیار خطرناک و تهدیدکننده منافع و نهضت‌های خلقهایست و باید هرچه سریعتر این استحالته موضوع استرالیستیک افشا و استرالیستی مقابله با آن تدوین شود و در حال حاضر این بعد از استرالیستی تهدید و تهاجم و سلطه

سخنی کوتاه‌باداش آموزان در آستانه شروع سال تحصیلی جدید ۶۰-۵۹

شرایط حساس کنونی حنا احباب می‌کند که دانش‌آموزان بیش از پیش جهت بازگشایی مدارس آماده شوند.

مبارزاتی خود را دوچندان کرده، جلوی هر گونه توطئه ضدانقلابی و استعماری و استبدادی مقاومت و از طرفی جوهر آگاهی و هوشیاری و مقاومت را به میان مردم بریم.

برادران و خواهران دانش‌آموز به خوبی واقفند که:

کششها و خواستههای فطری خداجونی و کمال طلبی را با تقوی و پرورش جسم و جانمان با معنویت و اخلاق و نیایش و عرفان توحیدی پاسخ دهیم.

را پشت سرمی‌گذارد. شرایط و موقعیت تاریخی چنین احباب می‌کند تا با اتخاذ خط مشی صحیح بر مبنای ارزشیابی اصولی و دقیق آنچه بر انقلاب گذشته است، همچنان بر توان و خستگی ناپذیر، رسالت عظیمی را که بر دوشمان سنگینی میکند به پایان بریم و در بینگاه خدا و خلق سرفراز و موفق باشیم.

ساخت‌های امیرالایم موقعی موفق بوده است که مسئولین فاقد بینش مکتبی و انقلابی و بدون برنامه؛ صحیح و بدون عمل کرده‌اند. بدون توجه به خواسته‌های انقلابی توده‌ها تصمیم گرفته‌اند. در هر مورد که شیوه‌های غلط را در پیش گرفتند و باعث سلب اعتماد توده‌ها شدند، امریکا توانسته است موقعیت را عنایت شده از کانال گروه‌های مخالف و ضدانقلاب سیاست‌های خود را اعمال کند.

دانش آموزان سراسر کشور، هشارو آگاه، در مدت کوتاهی که به بازگشایی مدارس باقی مانده است، خود را برای قبول مسئولیت‌هایی که در برابر انقلاب دارند آماده‌سازند. و از هم اکنون برای جلوگیری از هرگونه انحلال و انحراف در مسیر مبارزه و حاکمیت انقلاب و دفاع همه جانبه از دست‌آورد‌های جنبش انقلابی، ضمن کسب آگاهی بیشتر و مسلح شدن به معیارهای مکتبی، به افشای سیاست‌های غیر مکتبی که بر انقلاب تحمیل می‌شود و همچنین به افشای اقداماتی که حاکمیت سیاسی انقلاب را بخطر می‌اندازد بپردازند.

مسئولین آموزش و پرورش نیز با اتخاذ شیوه‌های نادرست و غیرمکتبی، ناخودآگاه راه را بر ضدانقلاب گشوده‌اند که عنوان نمونه می‌توان از موارد زیر نام برد: جلوگیری از فعالیت سیاسی دانش آموزان در مدارس، بوجود آوردن زمیندهای تقنینی عقاید از طریق گرفتن تعهدنامه و اجبار به پر کردن پرسش‌نامه و مصاحبه حضوری، اخراج معلمان مسئول و متعهد زیر پوشش تصفیه، استخدام بدون ضابطه معلمان غیر مسئول و غیرانقلابی.

تأمین تلاش ضدانقلاب بر این است که جبهه خلق را با بکاربردن شیوه‌های تازه تری تضعیف کرده و با بوجود آوردن زمیندهای تشنج در محیط‌هایی که این آمادگی را دارند، انسجام درونی انقلاب را به تلاشی بکشاند و از این طریق آخرین ضربه‌های خود را بر بیکر انقلاب وارد سازد.

دانش‌آموزان سراسر کشور، با باز یافتن شکل انقلابی، خود قادرند و باید که در صفوفی مستحکم در مقابل ضدانقلاب بایستند. زیرا:

تمامی تلاش ضدانقلاب بر این است که جبهه خلق را با بکاربردن شیوه‌های تازه تری تضعیف کرده و با بوجود آوردن زمیندهای تشنج در محیط‌هایی که این آمادگی را دارند، انسجام درونی انقلاب را به تلاشی بکشاند و از این طریق آخرین ضربه‌های خود را بر بیکر انقلاب وارد سازد.

دانش‌آموزان سراسر کشور، با باز یافتن شکل انقلابی، خود قادرند و باید که در صفوفی مستحکم در مقابل ضدانقلاب بایستند. زیرا:

دانش‌آموزان باید بیش از پیش با شناخت دقیق استراتژی مکتبی و درازمدت امریکا و ضدانقلاب و هم چنین موقعیت و سیاست هر یک از گروه‌ها و جناح‌های سیاسی داخلی آمادگی لازم برای مقابله با شرایط پیچیده کنونی را در شروع سال تحصیلی جدید کسب کنند.

برای تحقق خواسته‌های فوق باید با بوجود آوردن شکل‌های دانش‌آموزی، توان

زمان بپیچیده‌تر خواهند شد، بنیاد وحدت همه نیروهای مؤس انقلاب به رهبری امام خمینی پاسخ ضروری همه توطئه‌ها خواهد بود.

برادران و خواهران دانش‌آموز:

از یکطرف بپیچیدگی امر مبارزه در شرایط سختی که امروز با آن روبرو هستیم که ناشی از درهم رفتن صفوف حق و باطل می‌باشد و از طرف دیگر پیچیدگی امیرالایم بعنوان بزرگترین سد راه تکامل تیرت و دشمن تمامی خلق‌های تحت ستم باید که:

۱- موقعیت و شرایط مرحله‌ای انقلاب را بخوبی بشناسیم و واقعیت‌های موجود را آن‌جا که هست دربرماند، به هیچ وجه تسلیم سلیفات سو، نسویم و همچنان رسالت خود را در این برهه از تاریخ بیابان بریم.

۲- موظفیم که خواسته‌های انقلاب توده‌ها را در هر گجا که هستیم مطرح کرده و جهت تحقق آنها بافتار کنیم. مسلماً یکی از آن خواسته‌ها، تعیین‌بندی سیستم آموزشی سراسر کشور است، آموزش و پرورش باید که از این پس با سخنگوی نیاز و ضرورت‌های انقلاب باشد، فرهنگ‌حسلی و استعطاری باید ناپود شود و فرهنگ انقلابی حاکمترین آن گردد.

۳- زمینه را جهت برخورد عقاید در مدارس آماده سازیم و این را به عنوان یکی از ضرورت‌های انقلابی و از دست آورد‌های پرارزش انقلاب مطرح ساخته و جامه عمل بپوشانیم.

۴- به هیچ وجه تسلیم سیاست‌های تنگ نظران نشده و با اتخاذ شیوه‌های اصولی در مقابل هرگونه تحمیل و یا تهدید مقاومت کنیم.

۵- با روش‌های نادرستی که گروه‌های مخالف در جهت تضعیف حاکمیت انقلاب بکار می‌برند برخورد کرده و با انتقادهای اصولی، آنها را به تجدید نظر در مواضع

سیاست‌ها و اداریم.

۶- از آسوب و هرج و مرج و سنج که حاکمیت سیاسی انقلاب را تهدید می‌کند و دشمنی به سود امیرالایم جهانخواز امریکا تمام خواهد شد در حد توانائی جلوگیری کنیم.

۷- با بوجود آوردن شکل‌های دانش‌آموزی به مبارزه بی‌کبر خود در جهت تداوم انقلاب تلاش کنیم و منطبق بر شرایطی که بر خود ما تحمیل شده، با مسود نویسه‌های مختلفی را در پیش بگیریم.

۸- هر چند که می‌دانیم موانع و مشکلات فراوانی در مسیر تکمیل نورهای مردمی در سطوح مختلف ملکت هست و این مسئله شامل مدارس نیز میشود، اما سعی خودمان را با نهایت امان و توان لازم جهت تشکیل شوراهای دانش‌آموزی بکار بریم، تا از طریق شوراهای خواسته‌های انقلابی توده‌های دانش‌آموزی را جامه عمل بپوشانیم.

۹- با خودسازی انقلابی و با برنامه‌ریزی‌های اصولی خود را آماده مقابله با توطئه‌های امیرالایم و ضدانقلاب نمائیم.

۱۰- بر اساس آموزش‌های توحیدی و فرهنگ‌گنی اسلامی خود را بمابیه انسان توحیدی ارج گذاریم و مسئولیت‌ها و تعهدات عظیم خود را در قبال خدا و خلق بشناسیم.

۱۱- تلاش کنیم هر چه بیشتر با آموزم و آموخته‌هایمان را در عمل بازمانیم.

۱۲- توده‌های مردم سرجمده‌های جوانان حرکت‌های توحیدی و انقلابی هستند بمان مردم برویم با زندگی و منس و بنس آنها آشنا شویم از آنها باموزیم و با آنها باموزیم.

۱۳- کششها و خواسته‌های فطری خداجونی و کمال طلبی را با تقوی و پرورش جسم و جانمان با معنویت و اخلاق و نیایش و عرفان توحیدی پاسخ دهیم.

کودتادر ترکیه

۶- اجلاسیه وزرای پیمان ناتو را در ترکیه تشکیل داد تا سازماندهی و تجهیز و آمادگی برای ایفای نقش جدید ارتش وابسته ترکیه را تدارک ببینند.

۷- در مورد پایگاه‌های نظامی بربره و مسیره با عمان و سومالی به توافق رسید و حق استفاده از پایگاه‌های نظامی مصر و کنیا و عمان و بحرین را بدست آورد.

۸- پل هوایی-نظامی میان آمریکا و تایلند را ایجاد نمود تا از همهی رژیم‌های مزدور و وابسته و مرتجع در منطقه آسیای

هم دریده سنتو برای محاصره خلق‌های منطقه از سوی دیگر بود، مورد توجه قرار داد.

بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران آمریکا رسماً اعلام داشت که همه‌گونه امکانات تسلیحاتی و تدارکاتی جدید در اختیار ترکیه قرار خواهد داد، چرا که بعد از واگذاری رژیم شاه و از هم فروریختن یکی از ارکان ثلاثه استراتژی منطقه‌ای آمریکا (شاه، سادات، بکین) ارتش ترکیه ضعیف‌ترین و بحرین را بدست آورد.

پل هوایی-نظامی میان آمریکا و تایلند را ایجاد نمود تا از همهی رژیم‌های مزدور و وابسته و مرتجع در منطقه آسیای

استراتژی تهاجمی آمریکا در منطقه

تحلیل امت از

ترکیه، قبل از کودتای امریکایی

بشمار صفحه یک



کرده‌اند و خلق قهرمان ترکیه هم بنوبه خود تاکنون بیش از سه بار چنین کودتاهای ننگین امریکایی را از سر گذرانده است، و بسیاری از خلق‌ها این کودتاها را با انقلاب‌های مردمی و ضد امپریالیستی پاسخ داده‌اند و دور نیست که اراده مردم مسلمان ترکیه با انقلابی اصیل و مردمی بر هر چه سلطه و سطره امپریالیستی بشورد و خود را در کوره انقلابی آیدیده‌تر سازد.

حساس به "تفت" امپریالیسم را تحریک مینمود، هم چنین پایگاه‌های نظامی آمریکا در ترکیه در حال حاضر از اهمیت سوق - الجیشی قابل توجهی برخوردارند و بالاخره رویارویی نیروهای مترقی و ضد - امپریالیست و صهیونیست با نیروهای وابسته و ارتجاعی که در فضای دموکراسی نیم‌بند امریکایی سلیمان دمیرل چهره نموده بود، نمی‌توانست دغدغه خاطر

جنوب شرقی حمایت نماید.

۹- خود را در پشت سر ژنرال‌های مسلمان نمائی چون ضیا الحق مخفی ساخت تا اسلام انقلابی و پویا را در کنفرانس‌های باصلاح اسلامی - امریکائی خود لووت نموده و بر کشورها و خلق‌های مسلمان سطره باید.

۱۰- و بالاخره ترکیه را که حلقه‌ای از زنجیر ناتو از یکسو و حلقه‌ای از زنجیر از

توضیحی در رابطه با اعلامیه با امضای انجمن‌های دانشجویان مسلمان مدارس عالی کشور

یک مشت لغظی، شعار، ناسزا، تهمت و برچسب در بر ندارد.

۲- در سراسر بیانیه حتی یک دفاع اصولی از مواضع سازمان یا نقد منطقی از مواضع جنبش مسلمانان مبارز دیده نمی‌شود و آشکارا از ضعف عمیق استدلال و منطق نویسندگان حکایت می‌کند و بیشتر بیک برخورد عکس‌العملی عاطفی و شخصی شباهت دارد تا یک نقد منطقی.

۳- اگر انگیزه تنظیم کنندگان این نوع بیانیه‌ها سرگرم نگاهداشتن هواداران

بدنیال مطلبی که در امت ۷۱ در پاسخ بیانیه مرکزیت مجاهدین خلق و با امضای انجمن‌های دانشجویان مسلمان مدارس عالی کشور درج گردید، بیانیه تازه‌ای در ۸ صفحه و با همان امضاء از جانب مرکزیت سازمان مجاهدین و باصلاح در افشای خفته؛ خلق تعهد می‌کنیم که راه جهاد و شهادت شان را ادامه دادمو لحظاتی تا استقرار جامعه توحیدی و به وراثت رسیدن مستضعفین ازبای بنشینیم و گام‌های استوارمان بخاطر هبج مصلحتی سست نشود.

امروز ما مصلحت‌انقلاب را بالاتر از هر

بدرستی نادرستی که گروه‌های مخالف در جهت تضعیف حاکمیت انقلاب بکار می‌برند برخورد کرده و با انتقادهای اصولی، آنها را به تجدید نظر در مواضع سیاسی شان و اداریم.

بدانند که عملکردهایشان آنچنان جو تشنج و بی‌نیایی بوجود آورده و زمینه‌هایی را فراهم کرده است که مسلمانان بی‌آمدهای ناشی از آن تنها بسود ضدانقلاب خواهند بود.

ما در آستانه شروع سال تحصیلی، بازگشایی مدارس سراسر کشور را طلبیم قدم‌های استوار نسل جوان برای کسب صلاحیت‌های همه جانبه دانسته، ضمن بزرگداشت خاطره شهادت‌نامه‌ی دانش‌آموزانی که آگاهانه و مقاوم در مقابل سیاست‌های تحمیلی رژیم سفاک و دست نشانده پیشین ایستادند و بر سر تعهدی که با خدای خویش بسته بودند با کمال اخلاص و باکی جان باختند و به یاد همه شهدای به خون خفته؛ خلق تعهد می‌کنیم که راه جهاد و شهادت شان را ادامه دادمو لحظاتی تا استقرار جامعه توحیدی و به وراثت رسیدن مستضعفین ازبای بنشینیم و گام‌های استوارمان بخاطر هبج مصلحتی سست نشود.

امروز ما مصلحت‌انقلاب را بالاتر از هر



خبر - اصفهان

۱) بطور کلی اعدادی چون هفت یا هفتاد و نظایر آن در قرآن بیشتر بمعنای کثرت بکار می‌رود. این اصطلاحات از مشابهتند و نباید معنای ظاهری آنها ملاک قرار گیرد. مثلا در هفت‌آسمان، قرآن می‌خواهد از بسیاری آسمانها که همه مخلوق و تحت اراده خدا هستند سخن گوید.

۲) ما بارها این شیوه انحصارطلبی را در آموزش و پرورش محکوم کرده‌ایم و آنرا با اصول مکتب و حتی قانون اساسی جمهوری اسلامی مقایسه می‌کنیم. بر همه وفاداران به انقلاب و مکتب است که نسبت به این روشهای غیراصولی زبان به اعتراض نکشیند.

خلخال: برادر الف - پ

برای دریافت پاسخ خود در مورد جامعه توحیدی می‌توانید به مقاله: "گذری بر جوانب اقتصادی جامعه توحیدی" که در شماره‌های ۵۷ و ۵۸ امت چاپ شده و در آن از خصوصیات اقتصادی جامعه توحیدی بطور خلاصه و با زبانی ساده صحبت شده است، مراجعه نمائید.

شیراز: ح - ی

ما تاکنون نامه‌های متعددی از برادران و خواهرانی نظیر تو دریافت کرده‌ایم که مواضع خود را تصحیح و با آزاداندیشی و حق‌طلبی خود را از اسارت اندیشه‌های جزمی آزاد ساخته‌اند. با آرزوی موفقیت برای تو.

۱) ویژگی برجسته خط امام اولویت دادن به مبارزه علیه شیطان بزرگ یعنی امریکاست. در این خط تاکنون روی اهمیت مبارزه علیه سرمایه‌داران تاکید کافی نشده است ولی ما قطع داریم که اگر خط مبارزه ضدامپریالیستی ادامه یابد و مبارزه عمیق شود، ناچار از مقابله جدی با این جریان هستند.

۲) آری هنوز هم رابطه بعضی روحانیون با بازار و سرمایه‌دار بازاری محفوظ است.

۳) ما هم با تعطیل درازمدت دانشگاه‌ها موافق نبوده و نیستیم و معتقدیم با توجه به شرایط خاص کشور دانشگاهها باید هرچه زودتر بر اساس موازین آموزشی نوین انقلابی - مکتبی شروع بکارکنند.

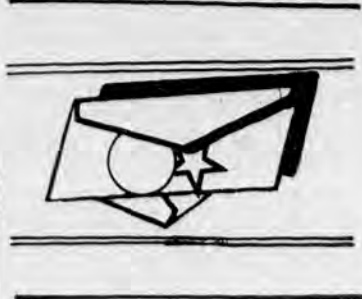
۴) نه این گفته صحیح نیست و برادرمان در شیراز مایملکی ندارد. تشابه اسمی در کار میباشد.

برادر عباس - ز - دانش‌آموز

مسلم است که خداوند انسان را از روی نیاز خلق نکرد و احتیاجی به سجده و عبادت وی ندارد. خداوند از آنجا که خلایق جز ذات وی است، موجودات و جهان وانسان را پدید آورده است و اینکه گفته شده هدف از خلقت انسان عبادت پروردگار است، باید به معنای عبادت توجه شود. عبادت خدا منضم حرکت و تحول تکاملی انسان بسوی خدا یعنی کمال مطلق است. در عبادت واقعی ارزشها و استعدادهای انسان پرورش می‌یابد و بطرف خداگونه شدن سیر می‌کند. یعنی در شخص صفاتی چون خلایقیت، آگاهی، اراده و محبت و ایثار و دیگر معنویات رشد می‌کنند پس عبادت نه بدلیل احتیاج خدا که ضرورت تکامل وجود انسان میباشد، بهمین جهت در قرآن به کرات آمده که خداوند بی‌نیاز از عالمیان است.

برادر خلیل - ق

در مقاله‌های اساسی مکتب در باره معیارهای شناخت حقیقت بحث شده است. حتماً آن مباحثات را با دقت و حوصله مطالعه و دنبال کنید. در این مختصر یادآور می‌شویم که معیار تشخیص حقیقت، واقعیت مستقل از ذهن است. هر مطلب یا نظر یا سخنی که با واقعیتهای مستقل از ذهن و بطایع و هماهنگی داشت، حقیقی است و بهمان نسبت که از این هماهنگی کاسته می‌شود، از درجه حقیقی بودن آنها کاسته می‌گردد. تجربه یک وسیله انطباق دادن شناخت با واقعیتهاست. هر نظریه‌ای



که واقعیتها را بهتر توضیح می‌دهد و هماهنگی بیشتری با آنها دارد و در آن اختلاف و ناهماهنگی و تناقض کمتر دیده می‌شود. به حقیقت نزدیکتر است. قرآن که ساختنی کاملاً حقیقی است، فاقد هرگونه اختلاف و تناقض است و خودش معیار تشخیص نظریات حق را باطل یا تعیین درجه حقیقی بودن نظریات است. نظریه‌ها را علاوه بر آنکه باید در برخورد با واقعیت های اجتماعی و تاریخی بکار برید و انسجام و قدرت توضیح‌دهندگی آنها را امتحان کنید، به قرآن رجوع دهید. اگر با مجموعه تعالیم (مجموعه و نه فقط یک جزء) هماهنگی داشت، حقیقی است. البته لازمه موفقیت در اینکار آگاهی و تسلط بر قرآن و درک عمیق نظریه‌های است که می‌خواهید امتحان کنید. موفق باشید

خرمشهر: برادر هادی - ق

ما حتی‌المقدور جواب سوالاتی که تکراری نباشد میدهم. از اینکه دو ماه در انتظار مانده‌ای متاسفم وعذرخواه. درباره خط متنی مبارزه با ارتجاع و لیبرالیسم، زیاد صحبت شده است. برای آگاهی دقیق‌تر از متنی جنبش مسلمانان مبارز توصیه می‌کنیم سرفقاله امت شماره (۵۱) را با دقت مطالعه کنی، بخصوص در این مقاله به کیفیت پایگاه توده‌های ارتجاع اشاره شده است. مجدداً در پاسخ کسانی که روی این عامل بیش از اندازه تکیه می‌کنند،

آنانرا به مطالعه شواهد تاریخی و تجربیات اجتماعی حاضر رجوع بده. این پایگاههای توده‌ای تا وقتی معتبر و پابرجا هستند که آنان در جهت مقابل منافع و نهضت مردم قرار نگیرند، بمحض آنکه کسی حتی اگر مرجع تقلید باشد در برابر نهضت توده‌ها قرار گیرد، کنار زده می‌شود. تاریخ سراسر مبارزه ملت ایران از این نمونه‌ها آکنده است. اشتباه آن برادران در اینستکه تعریف درستی از ارتجاع در دست ندارند. از آنان سوال کن مرتجعین در حال حاضر چه کسانی هستند؟ اگر امام خمینی و روحانیون مبارز و معتمد و یا غیر روحانیون مبارز را مستثنی کردند و مرجع ندانستند برایشان توضیح بده که این پایگاه توده‌ای متعلق به امام و کسانی است که در مسیر انقلاب و برای مردم مبارزه کرده و می‌کنند مرتجعین واقعی ممکن است زیر پوشش طرفداری از امام خمینی، طرفدار در میان مردم داشته باشند. چنانکه لیبرالها هم به اعتبار امام خمینی محبوبیت پیدا کردند. پس مرتجع واقعی اگر چه‌راهش شناخته شده باشد، پایگاه مردمی ندارد. نمونه برجسته اش سردمدار حزب جمهوری خلق مسلمان است که با همه نفوذ و پایگاه توده‌ای بمحض آنکه ماهیت ضد مردمی و ضدانقلابی آن آشکار شد، همه رهایش کردند. می‌بینی که قضیه روشن است. با اینحال ما چنانکه می‌دانیم خطر هیچیک را دست‌کم نگرفته بعکس با مشخص کردن دقیق صف مرتجعین و سازشکاران، کارشناسی و مبارزه با آنان آسانتر نموده‌ایم.

نکته دوم - قطعاً در امت خوانده‌ای که همیشه بر این اعتقاد بوده‌ایم که اختلافات ایدئولوژی و سیاسی بین گروهها باید در محیطی برادرانه و منطقی مورد بحث قرار گیرد و خود حتی‌المقدور به این اصل وفادار مانده‌ایم و حتی مدتها قبل از طرح آن در نشریه، مستقیماً و بطور حضوری مطرح می‌ساختیم. اگر دیگران این اصل را رعایت نکرده به ناسزاگویی و فحش و تهمت که نشانه ضعف منطق و استدلال است، می‌پردازند، خود باید پاسخگو در برابر وجدان بیدار خلق باشند. ما قطعاً از مقابله بمثل خودداری می‌کنیم و از روش اصولی خود عدول نخواهیم کرد. همانطور که تو از نزدیک شاهد هستی، امریکا دشمن خونخوار خلق ما، از هیچ توطئه و جنایتی علیه ما دریغ نخواهد کرد، برماست که هوشیار و متحد باشیم، بجای برخوردهای داخلی و تفرقه و جنگ درونی در یک صف واحد در برابر آن بایستیم. دسیسه‌های امریکا در خلیج فارس و تنگه هرمز در کشورهای تحت نفوذ در منطقه بر کسی پوشیده نیست. آنچه ما لازم داریم، اتحاد و بایبدری و هشیاری و مقاومت توده‌های است.

ضعف تبلیغاتی و انتشاراتی جنبش را همت و فداکاری برادران و خواهران در سراسر کشور باید جبران کند، تا آنجا که

در توان دارید در تکثیر و توزیع مقالات و تحلیلها و سراسر بکوشید. یک مبارزه را بدهه‌ها ستواند به نسلها برساند، ما جز خدا و وجدان پاک و صادق توده مبارز و مسلمان خود نقطه اتکالی نداریم.

وحدت لیبی و سوریه، نزدیکی مصر و اسرائیل

یونانیدیرس گزارش رادیو سوریه، سوریه و لیبی وحدت کامل دو کشور را اعلام کردند. بموجب بیانیه‌ای که از رادیو دمشق پخش شد، آمده است ما وحدت دو کشور لیبی و سوریه را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی و دیگر زمینه‌ها اعلام می‌داریم. در این بیانیه که بطور همزمان از رادیوهای طرابلس و دمشق پخش شد، مشخص نشده است که چه کسی رهبری این کشور متحد جدیدالتاسیس را برعهده خواهد داشت. هنوز نام جدید ایندو کشور متحد نیز روشن نیست. وحدت دو کشور لیبی و سوریه ظرف یکماه آینده صورت عملی بخود خواهد گرفت. در ضمن یک کنفرانس انقلابی بصورت قوه مقننه در این کشور متحد که در صحنه بین‌المللی هویت واحدی دارد عمل خواهد کرد.

بر اساس بیانیه فوق که اصول کلی حکومت را اعلام می‌کند، مبارزه با قرارداد کمپ‌دوبید و رژیم اشغالگر قدس و پشتیبانی از سوسیالیسم، از تعهدات اساسی حکومت جدید می‌باشد.

یک سخنگوی وزارت خارجه اسرائیل گفت: این اتحاد برای ما یک خطر نظامی به حساب می‌آید. همچنین سادات در اسکندریه این اتحاد را بجگانه و خنده‌آور خواند.

خبرگزاری فرانسه

سرهنگ قذافی رهبر لیبی طی یک سخنرانی رادیویی به مناسبت ورود حافظ اسد به لیبی گفت که در آینده نزدیک پایگاه‌های امریکا در کشورهای عربی مورد حمله قرار خواهد گرفت.

رهبر لیبی گفت که ملت عرب اکنون مورد تحقیر قرار گرفته چرا که ارتش‌های امریکائی هم‌اکنون در عمان، سوئالی و مصر در حال پیشروی بوده و خود را برای اشغال مواضع استراتژیکی آماده می‌کنند.

قذافی اضافه کرد: چه کسی گفته است که امریکائیکها شکست‌ناپذیرند و نمی‌توان در برابر قدرت امریکا مقاومت کرد؟ ما با صدای بلند در برابر جهانپان خلاف این را اعلام می‌داریم و می‌گوئیم که امریکا یک

حمله به دفتر امت در کرمانشاه

در روز یکشنبه هفته گذشته، ۱۶ شهرومراه، از طرف گروهی تحریک‌شده و فریب‌خورده در ساعت ۷ بعد از ظهر به دفتر نشریه امت در کرمانشاه حمله شد.

حمله‌کنندگان پس از ورود بداخل ساختمان با سازماندهی قلبی و حساب شده شروع به تخریب دفتر و وسایل موجود در آن نمودند و چیزی نگذشت که همه وسایل موجود در ساختمان و همچنین کتابها، روزنامه‌ها و جزوات، شکسته و پاره‌پاره شده و به خیابان برتاب گردید و حمله‌کنندگان مقداری از وسایل را نیز با خود به یغما بردند.

در خلال این حمله، برادران و خواهران مسئول دفتر، در حالیکه تعداد بسیاری از مردم در برابر ساختمان جمع کرده و ناظر بر جریان هجوم بودند، هیچگونه عکس - العمل تحریک‌آمیزی از خود نشان ندادند. لازم بتوضیح است که بلافاصله پس از آغاز هجوم از طرف مسئولین دفتر، جریان امر به اطلاع سپاه پاسداران، شهربانی مرکز و کلانتری محل رسانیده شد، اما متأسفانه از طرف سپاه هیچ اقدامی به عمل نیامد و مامورین شهربانی هم که در محل حضور پیدا نمودند، اقدام مورتی در ممانعت از مهاجمین که مورد شناسایی آنان بودند به عمل نیآوردند.

سوانجام پس از خاتمه تخریب، خواهران حاضر در دفتر با اصرار و همراهی مامورین از میان مهاجمین بیرون برده شدند و بدنبال آن برادران به شهربانی مراجعه کرده و خواستار تأمین جانی خود شده و کتباً درخواست نمودند که یک مقام مسئول دفتر را تحویل بگیرد تا آنها آنجا را ترک کنند، اما معاون شهربانی بطور کتبی در پاسخ نوشت که در اینمورد

بزرگداشت آیت الله طالقانی در برلن غربی

هفته گذشته جلسه بزرگداشت ۱۷ شهریور و سالگرد آیت‌الله طالقانی توسط برادران دانشجوی مسلمان ایرانی در برلن غربی برگزار گردید. در این جلسه نمازگاه عکس شهیدی انقلاب و آیت‌الله طالقانی و پوسترهائی از امام و دکترینی و بدر طالقانی به معرض نمایش گذاشته شد. بعد از قرائت قرآن برنامه با پیام امام است که به مناسبت سالگرد رحلت آیت‌الله طالقانی عنوان کرده بودند، آغاز شد. سپس مقاله ای توسط یکی از خواهران خوانده شد که قسمتی از آن مقاله را در زیر می‌آوریم.

اولین سالگرد مجاهد ستوده آیت‌الله طالقانی را زمانی برگزار می‌نمایم که درست ۲ سال از شهادت شهیدان به خون خفته ۱۷ شهریور می‌گذرد. شهیدانی که مقاومت‌شان در جمعه سرخ شهادت رزم یوسیده و مغفور پهلوی راه به بن بست نهایی کشانده و منجر به قطع امید ارباب از او گردید، شهیدانی که حماسه آفریدند، شهیدانی که خون و پیام را به ارمغان آوردند و بالاخره شهیدانی که معلم کبیرمان، پدر پیرمان در آخرین پیامش در بهشت زهرا به آنان چنین می‌فرماید: ای جمعه‌هایی که در خاک خفته‌اید، ای جوانانی که با گلوله دشمن تن‌های شما و

دولت مزدور است که باید به ملت و تمدن عرب احترام بگذارد. در غیراینصورت ما توانایی آن را داریم که امریکا را به اینکار وادار کنیم. از سوی دیگر حافظ اسد که اندکی پس از ورود به پایتخت لیبی سخن می‌گفت تاکید کرد که اتحاد اعراب بگانه وسیله مقابله با تجاوزات صهیونیست‌ها برای آزاد کردن سرزمینهای اشغالی و ضامن پیروزی کشورهای عربی در مبارزه علیه دشمنان است.

پایگاههای نظامی، عامل حیات امپریالیسم امریکا هستند

خبرگزاری فرانسه زرنال اسورهامره، رئیس دفاع نروژ به خبرگزاری فرانسه اطلاع داد که حاضر است تسهیلات لازم برای نگهداری تجهیزات سنگین نظامی ایالات متحده امریکا را در بخش مرکزی نروژ فراهم سازد، در حالیکه گفته میشود واسکنن از نروژ خواسته بود تا بتواند در بالای دایره قطب شمال از اسب تجهیزات نگهداری به عمل آید.

نگهداری تجهیزات سنگین نظامی ایالات متحده در نزدیکی قطب شمال از طرف جناح چپ دولت کارگری نروژ مورد مخالفت قرار گرفته است. اسب جناح معتقد است که نقل و انتقال نظامی در این منطقه که در همسایگی شوروی و نزدیک بک بانک زبردیاتی هستهای این کشور است فقط موجب تشنج در منطقه خواهد شد.

منابع بلندیای دولت امریکا هفته گذشته اعلام نمودند که واشکنس فقط خواستار محلی در شمال نروژ است تا صورت بروز نبرد بتواند به فوریت تجهیزات مزبور را به محل نبرد انتقال دهد. دولت نروژ قبول کرده است که تا قبل از پایان سال جاری تصمیمی در اینمورد اتخاذ کند.

مقامهای مصر و اسرائیل اعلام کردند دیدار شامیر ربی به مذاکرات خودمختاری فلسطین ندارد.

شامیر وزیر امور خارجه رژیم اشغالگر قدس با انور سادات رئیس‌جمهوری مصر ملاقات می‌کند. وی اولین مقام ارشد اسرائیل است که از فروردین گذشته به دیدار از مصر می‌پردازد. در این ملاقات توسعه روابط بین دو کشور مورد بحث قرار می‌گیرد. یکی از همراهران وزیر امور خارجه اسرائیل اظهار داشت: وی در باره عادی کردن روابط با مصر بویژه در زمینه‌های تجاری و فرهنگی پیشنهاداتی ارائه خواهد داد.

شهریانی مسئولیتی ندارد. تا کثیر تعدادی از برادران شب را در دفتر به سر بردند اما فردای آنروز یعنی دوشنبه ۱۷/۶ در حالیکه مسئولان دفتر مشغول مذاکره با مقامات شهریانی بودند، مجدداً مهاجمین حمله خود را با خشونت هرچه بیشتر آغاز نمودند، افراد مزبور با جاقو، میله آهنی، پنجه‌بکس، و چماق از پنجره‌ها بدرون ساختمان هجوم آوردند و برادران را زیر شدیدترین ضربات قرار داده و به قصد کشت زنده و آنها را بدون آنکه کوچکترین اقدام متقابل و تلافی‌جویانه انجام دهند، با سرهای شکسته و بدنهای مجروح از جراحات جاقو و چماق، بیرون بردند که در نتیجه ۶ نفر از برادران به سختی مجروح گردیدند که سه نفر از آنان به علت ضعف شدید به بیمارستان انتقال یافتند.

مهاجمین پس از اتمام اعمال با آنکه می‌دانستند ساختمان در اجاره است و متعلق به فرد دیگری است، معهداً آنرا به آتش کشیدند و از معرکه گریختند.

اکنون با توجه به حملات همه‌جانبه دشمن اصلی انقلاب، امپریالیسم امریکا و عمال مزدورش چون رژیم بعث عراق که در غرب کشور وارد جنگی واقعی با ایران گردیده، توجه مسئولین امور را به اصل آزادی فعالیت گروهها و دستجات و نیز مجازات حمله‌کنندگان جلب نموده و از آنان مصراغه خواسته میشود که محرکین و مهاجمین تحریک شده را که غالباً نیز شناسایی و بدانان معرفی شده‌اند، دستگیر نموده و به مجازات رسانند و بیش از این صحنه را برای اینکه اعمال خودسرانه باز نگذارند.

نشریه جنبش مسلمانان مبارز

Advertisement for the journal 'The Struggle of the Fighting Muslims' (جنبش مسلمانان مبارز). It includes the title, volume information (شماره ۷۳)، and contact details (تلفن ۸۲۲۹۸۲).